

بازخوانی مؤلفه‌های مدرنیته در عصر قاجار بر اساس روزنامه تمدن*

مهديه حمزه‌ئی^۱

محمد مهدي فرقانی^۲

چکیده

مدرنیته در غرب، محصول جست‌وجوی روشنگرانه در زمینه‌های مختلف فکری بود. این جست‌وجو از رنسانس آغاز شد و پس از اصلاحات فکری و دینی و انقلاب صنعتی، مدرنیته به عنوان محصول این فرایند رخ نمود. رسانه‌های چاپی، به عنوان میانجی اطلاعات و آگاهی‌ها، نقش بسزایی در پیدایش دانش، فرهنگ و بینش جدید، و به‌طور کلی، شکل‌گیری مدرنیته ایفا کردند. در ایران، پیش از وقوع انقلاب مشروطه، مؤلفه‌های سازنده مدرنیته از سوی منابع مختلف، مطرح و در انقلاب مشروطه، برخی از آنها مانند آزادی و قانون به خواست اصلی مشروطه‌خواهان تبدیل شدند. یکی از منابعی که در شناخت جامعه نسبت به این مؤلفه‌ها نقش داشت، مطبوعات بودند که در این مقطع از تاریخ، رسانه اصلی کشور محسوب می‌شدند. از این رو، در صدد بازخوانی نحوه انعکاس مؤلفه‌های مدرنیته در نشریات سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ ه.ق برآمده‌ایم. مقاله حاضر با استفاده از چارچوب مفهومی مبتنی بر مفهوم مدرنیته، مطالعات نظری مبتنی بر نظریه‌های مدرنیته و میانجی‌گری رسانه‌ها و مدرنیته بومی، با روش تحلیل محتوای کیفی، محتوای روزنامه تمدن سال ۱۳۲۵ ه.ق را بررسی کرده‌است. ۱۲ شماره از تمدن با نمونه‌گیری به روش سیستماتیک انتخاب و به لحاظ متغیرهای مؤلفه‌های مدرنیته در مطلب، جهت‌گیری نسبت به هر یک از مؤلفه‌ها، منابع مشروعیت‌ساز و دلالت‌های ضمنی تحلیل کیفی شده‌است.

نتایج نشان می‌دهد عمدتاً آرمان‌های اجتماعی انسان مدرن در این نشریه انعکاس یافته‌است؛ جهت‌گیری نسبت به مؤلفه‌ها با آنچه در غرب پذیرفته شده‌است، انطباق کامل ندارد. از منابع مذهبی و سنت‌های ایرانی برای مشروعیت‌بخشی به استلال‌ها پیرامون پذیرش یا طرد مؤلفه‌ها استفاده شده و دلالت‌های ضمنی، مبین شرایط اجتماعی کشور است که متن در آن تولید شده و هر مؤلفه‌ای، با توجه به ویژگی‌های این بافت اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته‌است. واژگان کلیدی: مطبوعات، قاجار، مدرنیته، میانجی‌گری رسانه‌ها، مدرنیته بومی.

Rereading the components of modernity in the Qajar Age based on *Tamaddon* Newspaper

Mahdiyeh Hamzehei³

Mohammad Mahdi Forghani⁴

Abstract

In the West, Modernity was the product of the enlightenment process that took place within different schools of thought. It began with the Renaissance and continued through the religious-intellectual reformation to the Industrial Revolution. In fact, Modernity was shaped as the product of such a process. Printing, as the medium of information and awareness, played a major role not only in the emergence of the new science, culture, and insight but also in the formation of modernity. Before the Constitutional Revolution in Iran, the components of modernity were already shaped, but upon the emergence of Revolution, some like freedom and Law turned into the major demands of Constitutionalists. The major mass medium of the nation then was the press which, unsurprisingly, played a significant role in the public's awareness of such components. This, perhaps, is why the present study takes an interest in an analysis of the representations of the components of modernity in Iranian newspapers published in the years between 1902 and 1911. Among all such publications, it is the *Tamaddon* newspaper which is available now, and is thus consulted in the present study. Twelve issues of the *Tamaddon* are selected by systematic sampling method, and are then analyzed in terms of variables like components of modernity, attitudes to each element, sources of legitimacy, and connotations. The theoretical basis of the study is a conceptual framework based on the concept of modernity as well as theoretical studies regarding modernity like Mediation Theory and Alternative Modernity. According to the findings of the study, what are chiefly reflected in the *Tamaddon* include social ideals of the modern man; attitudes towards the components of modernity which are at times different from the western models of modernity; religious sources and Iranian traditions which are used as a means of legitimizing arguments for or against the components; and connotations which speak for the context within which the text was produced.

Key Words: Newspapers, The Qajar, Modernity, Mediation Theory, Alternative Modernity.

۱. دکترای علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبائی *تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

۲. استادیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

3.Ph.D in social communication sciences, Allameh Tabataba'i University : Email: mhamzeh7@gmail.com

4.Assistant professor of social communication sciences, Allameh Tabataba'i University: mmforghani@yahoo.com

طرح مسئله

مدرنیته در غرب، محصول جست‌وجوی روشنگرانه در زمینه‌های مختلف فکری بود که از رنسانس آغاز شد و در مراحل بعد، جنبش اصلاحات فکری و دینی و انقلاب صنعتی را پشت سر نهاد و به عنوان محصول این فرایند رخ نمود. مطبوعات، به مثابه یکی از رسانه‌های جمعی، معرف مفاهیم و موضوعات تازه و اندیشه‌های جدید بود. با این حال، طرز برداشت از مدرنیته غرب و عناصر فکری سازنده آن در جوامع و شرایط مختلف یکسان نبوده و به صورت‌های متفاوتی درک شده‌است. بر همین اساس این مقاله در پی شناخت چگونگی طرح مؤلفه‌های سازنده مدرنیته در نشریات ایران و با تأکید بر روزنامه‌تمدن است.

ایران در سده نوزدهم و در تحولات انقلاب مشروطه، با مفاهیم و واژه‌هایی که به ایدئولوژی مناطق اروپای باختری و امریکای شمالی تبدیل شده بود، بیش از هر دوره دیگری، آشنا شد و در این میان، مطبوعات، به گواه اسناد تاریخی، پس از سفرنامه‌ها، پیشگام آشناسازی جامعه ایران با این مفاهیم و به طور کلی، اندیشه‌های مدرن بوده‌اند. مطبوعات به ویژه از صدر مشروطه، بسیاری از مفاهیم از جمله قانون، آزادی، مدرنیسم و ... را برای اولین بار در جامعه ایران مطرح ساختند. همچنین این پدیده مدرن، روزنامه، به دلایلی همچون نثر قابل فهم برای عموم، مؤثرترین عامل در روند نوسازی سیاسی - اجتماعی ایران بوده است.^۵ ضمن اینکه، هر متنی، آینه‌ای از تاریخ است که می‌توان از آن کلیات فرهنگی و تاریخی مهمی را استخراج کرد.^۶

با توجه به این پیش زمینه نظری و از آنجا که دهه ۱۳۲۰ ه.ق، دوره شکل‌گیری انقلاب مشروطه، جنبش‌های سوسیال - دموکراسی و کارگری در دوره مشروطیت، و شکل‌گیری تدریجی ذهنیت انتقادی و روزنامه‌نگاری انتقادی، شعر و طنز سیاسی و ادبیات مدرن و انتقادی است، بازخوانی مؤلفه‌های مدرنیته در نشریه‌تمدن مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقام پاسخ به این پرسش‌ها و ابهامات است: مؤلفه‌های مدرنیته در نشریه مورد بررسی چگونه منعکس شده‌اند؟ جهت‌گیری نشریه نسبت به این مؤلفه‌ها، نوع شواهد و استدلال‌هایی که برای معرفی این مفاهیم، پذیرش یا طرد هر یک از آنها به کار گرفته شده چگونه بوده و همچنین دلالت‌های ضمنی که در این میان قابل شناسایی هستند، مطالعه خواهد شد. فقر پژوهش علمی درباره مفهوم‌شناسی مدرنیته در مطبوعات

۵. حسن بشیر، نقش مطبوعات در فرایند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)،

۱۳۸۸)، ص ۳۷۶ - ۳۷۶

سید جواد طباطبایی، تأملی درباره ایران: مکتب تبریز و مقدمات تجدیدخواهی. جلد دوم (تبریز: ستوده، ۱۳۸۴)، ص ۴۳۱ - ۴۳۰.

۶. عباس میلانی، تجدد و تجدیدستیزی در ایران (تهران: اختران، ۱۳۸۷)، ص ۱۴ و ۱۷

از عواملی است که انجام چنین تحقیقی را ضروری ساخته است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق (الف) مفهوم‌شناسی تحقیق

مدرنیته در لغت به وضعیت مدرن، شیوه مدرن اندیشیدن و کار کردن، امروزی بودن اشاره دارد و فیلسوفان مدرن، آن را به «نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر» معنا کرده‌اند.^۷ مدرنیته برای دیوید هلد^۸ بنامشده جهان بر اصول و مبانی لیبرالیسم^۹ است و در اندیشه ماکس وبر^{۱۰} از بنیان جامعه‌شناسی مدرنیته، به صورت فرایندی قلمداد شده است که عقلانیت ابزار را بر تمام شؤون جامعه حاکم می‌سازد و سنت‌ها، خرافه‌باوری و توهّمات را برمی‌اندازد.^{۱۱} فیلیپ ک. لارنس^{۱۲}، نویسنده کتاب مدرنیته و جنگ، از سلطه تمدن‌های غربی بر دیگر نقاط جهان، علم‌گرایی^{۱۳} در سازندگی جامعه، و «خیزش عقلانیت ابزاری و تکنولوژیکی» به عنوان درون‌مایه اصلی مدرنیته نام می‌برد.^{۱۴} در تعریف یورگن هابرماس^{۱۵} از مدرنیته، این واژه از یک سو به «در این عصر بودن و در این زمانه زیستن» است و از سوی دیگر به روایت اروپاییان از تجربه زیستن‌شان در زمانه خویش اشاره دارد که طی دو سده اخیر در قالب نظریه بیان کرده‌اند.^{۱۶}

عباس میلانی^{۱۷} مدرنیته را جریان مستمر تاریخی - فلسفی می‌داند که اجزا و عناصر آن (اجزای فلسفی، اخلاقی، اقتصادی، زیباشناختی و ...) با یکدیگر همسو هستند. او می‌گوید که برخلاف جامعه سنتی که حقیقت، یکی و آن هم، الهی، نامکشوف و غیرقابل مشاهده است، انسان و انسان‌گرایی،^{۱۸} در محوریت مدرنیته قرار دارد و ذهن جست‌وجوگر، پویا و خلاق اوست که حقیقت

۷. زیگموند باومن و همکاران، مدرنیته چیست؟ مدرنیته و مدرنیسم (ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. تهران: نقش جهان،

۱۳۷۸)، ص ۳۳ و ۶۷

8. David Held

9. Liberalism

10. Karl Emil Maximilian «Max» Weber

۱۱. عبدالرسول بیات و دیگران، فرهنگ واژه‌ها (قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱)، ص ۵۰۹ - ۵۰۸.

12. Philip k. Lawrence

13. Scientism

۱۴. نقل در رامین جهانگلکو، موج چهارم (ترجمه منصور گودرزی. تهران: نی. چاپ چهارم، ۱۳۸۴)، ص ۳۱۰

15. Jürgen Habermas

۱۶. علی میرسپاسی، روشنفکران ایرانی و مدرنیته (تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰)، ص ۹

۱۷. عباس میلانی، تجدد و تجددستیزی در ایران (چاپ هفتم، تهران: اختران، ۱۳۸۷)، ص ۸۷ و ۱۷۲ - ۱۷۱

18. Humanism

را کشف می‌کند یا می‌آفریند. از این روست که خردگرایی^{۱۹}، فردگرایی^{۲۰} و تجربه‌مداری، برخوردار می‌شود. انسان از حقوق طبیعی، خودشناسی انتقادی، حقیقت‌انتخابی و نه الهامی، فردی‌شدن عرصه مذهب، حاکمیت آزادی اندیشه بر جامعه، آزادی اجتماعات، عمومی‌شدن عرصه سیاست (توفیق اراده عمومی بر اراده حاکمان، روحانیان و نجبا در تصمیم‌گیری سیاسی)، جایگزینی حکومت انتخابی با حکومت موروثی، الهامی یا انتصابی، و همچنین عرفی‌شدن عرصه‌های هنر و تفکر را از شاخص‌های اصلی مدرنیته قلمداد می‌کند.

از نظر مصطفی ملکیان^{۲۱} انسان‌گرایی، قائل‌بودن به علوم تجربی و تبدیل کردن آن به یک پارادایم در زندگی، و به تبع آن، پیشرفت‌باوری^{۲۲}، از مؤلفه‌های مدرنیسم هستند که از میان آنها، پیشرفت‌باوری به تنهایی، در انسان مدرن شش ویژگی را ایجاد می‌کند. یکم، پارادایم کردن علوم تجربی در زندگی؛ دوم، خلق فناوری؛ سوم، تلاش برای دستیابی به رفاه و تأمین نیازهای اولیه زندگی؛ چهارم، آرمان‌های اجتماعی مانند نظم‌جویی، امنیت‌خواهی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی، برابری‌خواهی، قانون‌گرایی و حق‌طلبی؛ پنجم، آرمانهای اخلاقی مانند پرهیز از دروغ، تهمت؛ و ششم، افزایش ظرفیت‌های روانی. به همین دلیل، انسان طی تاریخ از نظر آرمان‌های اجتماعی، آرمان‌های اخلاقی و ظرفیت روانی پیشرفت داشته‌است. مؤلفه دیگر مدرنیسم، فردگرایی است که با انسان‌گرایی پیوند نزدیک دارد. برخلاف اندیشه سنتی که جمع‌انسانی را بر فرد انسانی مقدم می‌دارد، انسان‌گرایی فردگرا، فرد انسانی - و نه ذات انسان و منافع او - را بر جمع ارجحیت می‌دهند. در نهایت، فردگرایی به دنبال خود، حقوق بشر و لیبرالیسم سیاسی یا دموکراسی لیبرال^{۲۳} و سرمایه‌داری بازار آزاد را به همراه می‌آورد که از آن به قانون‌گرایی (خواست قانون، قانون‌گذاری، تحدید و مقید ساختن قدرت حاکم به قانون) و اندیشه حقوق بشر - و نه اندیشه تکلیف بشر - تعبیر می‌کنیم. مهمترین مؤلفه‌های مدرنیته در نظر حسن قاضی‌مرادی^{۲۴} شامل عقلانیت یا تفکر انتقادی،

19. Rationalism

20. Individualism

۲۱. مصطفی ملکیان، مجموعه سخنرانی‌ها درباره مدرنیته (۱۳۷۹). قابل دسترس در سایت نیلوفر به نشانی:

www.neelofar.org/thinker/mostafamalekian.html

همچنین نک مصطفی ملکیان، «فردگرایی تجددگرایانه» (آیین: ماهنامه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۳۱ و ۳۰، ۱۳۸۹)،

ص ۹ - ۴

22. Progressivism

۲۳. حکومتی که هم برآمده از تصمیم و انتخاب مردم است و هم نحوه حکومت‌کردن آن همواره لیبرال باشد.

۲۴. حسن قاضی‌مرادی، نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران (تهران: اختران، ۱۳۸۴)، ص ۴۷ - ۳۷

دنیوی‌گرایی^{۲۵}، فردیت و دموکراسی است.

به طور خلاصه، از بررسی متون و دیدگاه‌های مختلف چنین برمی‌آید که مدرنیته یک جریان یا فرایند تاریخی است که تغییر دیدگاه انسان نسبت به خود و جهان، حاکمیت عقلانیت به جای وحی و سنت، بازنگری در سنت‌ها و اندیشه‌های گذشته و براندازی توهمات و خرافات، تغییر مدام در مقوله‌های فکری و ارزشی طی آن رخ می‌دهد و دارای درون‌مایه ایدئولوژیک است^{۲۶} و علم‌گرایی، عقل‌گرایی، پیشرفت‌باوری، دنیاگرایی، انسان‌گرایی، فردگرایی، برابری‌گرایی^{۲۷}، آزادی‌گرایی، سنت‌ستیزی^{۲۸}، خرافه‌ستیزی^{۲۹}، شناخته‌شده‌ترین مؤلفه‌های شکل دهنده ایدئولوژی مدرنیته هستند.

ب) بحث نظری

۱. مدرنیته و میانجی‌گری رسانه‌ها

ادعای کلی نظریه میانجی‌گری^{۳۰} این است که نهاد رسانه به تولید، بازتولید و توزیع معرفت می‌پردازد و این معرفت، ما را قادر می‌سازد به تجربهٔ خویش معنا بخشیم زیرا دریافت‌هایمان را از این تجربه نظم می‌دهد و در حفظ معرفت‌های گذشته و استمرار درک امروزین خویش، یاری‌مان می‌کند. مطبوعات و سایر رسانه‌ها با انتشار انواع معرفت به جای سایر نهاد‌های معرفتی مانند آموزش، علم و ... عمل می‌کنند و چون در یک فضای عمومی فعال‌اند به طور داوطلبانه و کم هزینه در دسترس همهٔ اعضای جامعه قرار دارند. زمان و دامنه تأثیرگذاری‌شان بیش از سایر نهادهاست و نقش میانجی بین واقعیات اجتماعی و تجربهٔ فردی را ایفا می‌کنند.^{۳۱} در میان بحث‌های نظری پیرامون نظریه میانجی‌گری، آنتونی گیدنز^{۳۲} از نظریه‌پردازان مدرنیته،

25. Secularism

26. Joel M. Charon, *Sociology: A Conceptual Approach* (Boston: Allyn and Bacon, 1986); Joel M. Charon, *The Meaning of Sociology: A Reader* (Englewood Cliffs : Prentice-Hall. 2 th ED, 2002); Richard T. Schaefer & Robert P. Lamm , *Sociology* (New York: McGraw-Hill.4 th ED, 1992), p. 67; James M. Henslin, *Essentials of Sociology, A Down-to-Earth Approach* (Boston: Allyn & Bacon. 5th Ed., 2004); Vijay S. Upadhyay, & Gaya Pandey, *History Of Anthropological Thought* (New Delhi : Concept Publishing Company, 1993) p. 347- 348

27. Egalitarianism

28. Anti- tradition

29. Anti-Superstitious

30. Mediation Theory

۳۱. دنیس مک‌کوایل، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. ترجمه پرویز اجلالی (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها،

32. Anthony Giddens

رسانه‌ها را میانجی تجربه انسانی قلمداد می‌کند و بر این باور است که مدرنیته را نمی‌توان از رسانه‌های خاص آن، شامل متون چاپی و نشانه‌های الکترونیک^{۳۳} متمایز کرد. جان تامپسون نیز هم‌سخن با گیدنز به نقش رسانه چاپ، ناشران و مترجمان در تضعیف اقتدار کلیسای قرون وسطی، گسترش دامنه معرفتی انسان و تبدیل آن از معرفت تک‌بعدی (معرفت دینی) به معرفت چندمنبعی (اطلاعات مختلف در قالب متون علمی)، رشد علم‌باوری و پیدایش عقل‌گرایی پرداخته و از رسانه‌ها به مثابه یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در ظهور و تکامل مدرنیته، بسط اقتصاد سرمایه‌داری، شکل‌گیری نظام‌های سیاسی دولت - ملت، توسعه فرایند معناسازی، شکل‌گیری هویت مدرن و اشکال جدید تعامل اجتماعی نام برده‌است.^{۳۴} منتهی گیدنز^{۳۵} معتقد است که کلام چاپی، هنوز هم در «قلب تجدد و شبکه‌های جهانی» قرار دارد - هر چند در این میان نمی‌توان از نقش رسانه‌های الکترونی نظیر تلگراف که پس از مطبوعات پدید آمدند چشم‌پوشی کرد. گیدنز، «ورود سرزده رویدادهای دوردست به دنیای ذهنی و فکری مردم» را از ویژگی‌های اصلی و بارز میانجی‌گری رسانه‌ها در آشناسازی مردم با واقعیت می‌نامد بدین معنا که وقایع و رویدادهای دوردست، در قالب خبر و به گونه منفک‌شده از بافت اصلی خود، به دنیای ذهنی افراد راه می‌یابند و به‌ویژه در شرایط مدرنیته، نه تمام واقعیت، بلکه بخشی از آن را تصویر می‌کنند. اما این امر بدان معنا نیست که آن‌ها دنیای جدید یا فراواقعیتی را می‌آفرینند. این توصیف گیدنز از نقش رسانه‌ها در دنیای مدرن را می‌توان با نظریه میانجی‌گری رسانه‌ها همسو دانست که بر اساس آن، میانجی‌بودن رسانه‌ها می‌تواند معانی متفاوتی داشته‌باشد.

۲. نظریه مدرنیته جایگزین (بومی)^{۳۶}

بر اساس نظریه مدرنیته جایگزین یا مدرنیته بومی، هر گذاری به مدرنیته، نقطه شروع متفاوتی دارد و از این رو، به نتیجه متفاوتی منتهی می‌شود. هر کشور، جامعه یا فرهنگ به شیوه خود و بنابر مقتضیات و ظرفیت موجود خویش، به صورت منحصر به فرد، مسیر تجدد را طی می‌کند و به مدرنیته‌ای خاص و متفاوت با مدرنیته غربی دست می‌یابد اما سنت در این میان، از بین نمی‌رود. بر اساس دیدگاه متفکران قائل به این نظریه، جامعه سنتی در مسیر فرایند تجددپذیری و گذار

33. electronic signals

۳۴. سید محمد مهدیزاده، نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی (تهران: همشهری، ۱۳۸۹)، ص ۳۲ - ۳۰

۳۵. آنتونی گیدنز، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸)، ص ۴۹ - ۴۶

36. Alternative Modernity

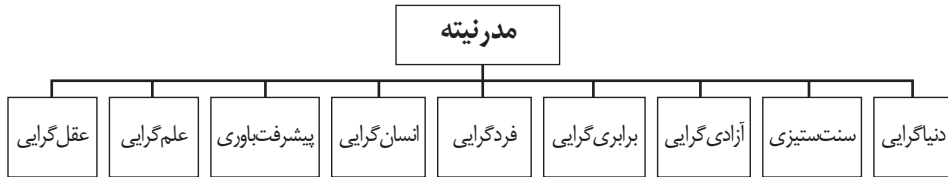
به جامعه مدرن، به‌طور مداوم با هدف بهبود شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و محیطی خود، به ارزیابی انتقادی وضعیت موجود می‌پردازد و همانند مدرنیته اروپایی که به جای محو سنت‌های کهن، بنای خود را بر همان سنت‌های بازنگری‌شده و بهبودیافته ساخت، مدرنیته خاصی را با اتکا به خصایص و سنت‌های بومی خویش پدید می‌آورد. از این رو، نه از یک مدرنیته، بلکه از مدرنیته‌ها می‌توان نام برد که وجوه اشتراک عام انسان‌ها و ارتباطات میان آن‌ها، وجوه اشتراکی را نیز میان مدرنیته‌های خاص و بومی جوامع مختلف سبب می‌شوند نکته دیگر اینکه، نظریه مدرنیته بومی، هیچ نسخه‌ای را در باب قطع ارتباط با سایر جوامع جهت شکل دادن به یک مدرنیته بومی توصیه نمی‌کند و طبق آن، ارتباطات نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ دارد و هر جامعه‌ای برای نیل به مدرنیته، به شناخت تفاوت آن از دیگر مدرنیته‌ها ناگزیر است.^{۳۷}

۳. چارچوب مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی تحقیق حاضر بر اساس مفهوم مدرنیته شکل گرفته و الگوی مفهومی آن بر اساس ادبیات و مبانی نظری تحقیق در شکل شماره یک ترسیم شده‌است. به طور خلاصه، مدرنیته، به عنوان تجربه‌ای خودجوش و درون‌زا، بر پایه دگرگونی بنیان‌های فکری و معرفتی و بازاندیشی و بازنگری در سنت‌ها شکل گرفت؛ خودآگاهی و عقلانیت انتقادی (باور به مرجعیت خرد انسان در پاسخگویی به تمام نیازها و دستیابی او به سعادت) را به عنوان پایه‌ای‌ترین مؤلفه خود، به همراه علم‌گرایی (اعتقاد به آزمون‌پذیری تمام ساحت‌های زندگی در چارچوب روش علمی)، پیشرفت‌باوری (اعتقاد به پیشرفت مستمر و مبتنی بر علم و خرد بشر در طی تاریخ)، انسان‌گرایی (باور به محوریت انسان در جهان)، فردگرایی (اعتقاد به اصالت و اولویت فرد و منافع او نسبت به جمع)، برابری‌گرایی (اعتقاد به برابری انسان‌ها به‌خصوص در امور اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی)، آزادی‌گرایی (اعتقاد به آزاد بودن انسان‌ها در زمینه‌های مختلف)، سنت‌ستیزی (نفی هر گونه تفکر و تجربه سنتی و رسوم گذشتگان)، و دنیاگرایی (باور به حاکمیت مطلق انسان و نفی دین و مذهب) بر تمام شؤون جامعه غربی حاکم ساخت. مطابق نظریه میانجیگری رسانه‌ها، رسانه یکی از کانال‌های شناخت

۳۷. نعمت‌الله فاضلی، *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران* (تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷)، ص

انسان‌ها نسبت به محیط پیرامون است و بر اساس نظریه مدرنیته بومی، قرائت یکسان از مدرنیته وجود ندارد؛ الزاماً نگرش‌ها منطبق با مدرنیته غربی نیست و با توجه به زمینه‌ها و بسترهای سنتی و فرهنگی، امکان پیدایش مدرنیته‌های مختلف وجود دارد.



۱. الگوی مفهومی مدرنیته و برجسته‌ترین مؤلفه‌های آن

روش‌شناسی تحقیق

برای بررسی نحوه انعکاس مؤلفه‌های مدرنیته در نشریات دهه ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد چراکه در مقایسه با روش‌های کمی، از شمارش صرف واژگان و استخراج محتوای آشکار متن فراتر می‌رود و می‌کوشد معانی، مضامین و الگوهای آشکار یا نهفته در متن را نیز بررسی کند.^{۳۸} نشریات در دسترس از دهه ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ ه.ق فهرست شد و از میان آنها به قید قرعه، نشریه تمدن سال ۱۳۲۵ ه.ق انتخاب شد.^{۳۹} در این سال از نشریه تمدن، ۴۸ شماره در دسترس بود که از میان آنها ۱۲ شماره یا یک‌سال آماری به صورت تصادفی و از هر ماه، یک شماره به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد.^{۴۰} سپس با استفاده از دستورالعمل کدگذاری شامل متغیرهای مؤلفه‌های مدرنیته در متن، جهت‌گیری متن نسبت به این مؤلفه‌ها، استناد یا ذکر شواهد و دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)، تحلیل کیفی صورت گرفت. به بیان دقیق‌تر، برای

38. Y. Zhang, & B. M. Wildemuth, "Qualitative analysis of content". In B. Wildemuth (Ed.), *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library* (Available at: <http://www.ischool.utexas.edu>, 2009).

۳۹. این نشریات عبارت بوده اند از: اطلاع (۱۳۲۵ - ۱۳۲۰ ه.ق)، انجمن اصفهان (۱۳۲۷ - ۱۳۲۴ ه.ق)، فلاحت مظفری (۱۳۲۴ - ۱۳۲۰ ه.ق)، انجمن تبریز (۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ ه.ق)، جریده ملی (۱۳۲۸ ه.ق)، امید (۱۳۲۴ ه.ق)، ادب (۱۳۲۰ ه.ق)، الکمال (۱۳۲۳ - ۱۳۱۹ ه.ق)، تربیت (۱۳۲۵ - ۱۳۲۰)، مجلس (۱۳۳۰ - ۱۳۲۴ ه.ق)، حیل‌المتین (۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ ه.ق)، ثریا (۱۳۲۲ - ۱۳۲۱ ه.ق)، تمدن (۱۳۲۶ - ۱۳۲۴ ه.ق)، جریده ادب (۱۳۲۴ - ۱۳۲۱ ه.ق)، چهارنما (۱۳۳۰ - ۱۳۲۲ ه.ق)، ایران سلطانی (۱۳۲۶ - ۱۳۲۱ ه.ق)، حکمت (۱۳۲۹ - ۱۳۲۰ ه.ق)، و عدالت (۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ ه.ق).

۴۰. این شماره‌ها عبارتند از: ۳ (دوم محرم)، ۱۰ (۲۳ صفر)، ۱۲ (هفتم ربیع الثانی)، ۲۰ (۱۳ ربیع الثانی)، ۲۵ (۱۱ جمادی الاول)، ۲۶ (۷ جمادی الثانی)، ۳۱ (۱۵ رجب)، ۳۸ (۲۷ شعبان)، ۴۰ (۱۳ رمضان)، ۴۳ (۵ شوال)، ۴۶ (اول ذی‌قعدة)، و شماره ۴۹ (۱۸ ذیحجه).

جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا گزاره‌های مرتبط با پرسش‌های تحقیق، استخراج شد. سپس دسته‌بندی و خلاصه، و در مرحله سوم، گزاره‌های مشابه به لحاظ محتوایی، در سطح انتزاعی‌تری، در قالب مضمون، تلخیص و دسته‌بندی شد.^{۴۱} برای حفظ پایایی داده‌ها، بازبینی مطالب در دو مرحله، نخست پس از تکمیل ۵۰ درصد مقوله‌ها و سپس در پایان کار صورت گرفت. همچنین سعی شد با گفت‌وگوی آزاد پژوهشگر با سایر محققان و کارشناسان درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های تفاسیر و مقوله‌بندی‌ها، حین کار، و یک ماه پس از پایان جمع‌آوری و تفسیر داده‌ها، قابلیت اعتماد تحقق یابد.^{۴۲} روایی دستورالعمل کدگذاری کیفی نیز در این پژوهش با تأیید استادان ارتباطات محقق شد.

تعریف متغیرها

الف) مؤلفه‌های مدرنیته در متن: هر یک از مطالب نشریه مورد بررسی در پی مؤلفه‌های مدرنیته، بازخوانی و گزاره‌هایی که حاوی هر یک از عناصر سازنده ایدئولوژی مدرنیته هستند به این ترتیب بررسی می‌شود:

۱. عقل‌گرایی (مضامینی که «عقل» - و نه مذهب - را یگانه مرجع اخلاق و ارزش‌ها، و تنها عامل به سعادت رسیدن انسان می‌دانند)؛ ۲. علم‌گرایی (مضامین مبتنی بر نقش علوم تجربی به عنوان ملاک و معیار تشخیص حقیقت)؛ ۳. سنت‌ستیزی (مضامین منافی آداب و رسوم گذشتگان، کلیشه‌ها، ارزش‌ها، و ادراکات قدیمی)؛ ۴. انسان‌گرایی (مضامین مبتنی بر نقش انسان در ساخت جهان مطلوب و لزوم رفع نیازهای او به هر طریق ممکن)؛ ۵. پیشرفت‌باوری (مضامین مبتنی بر ایده پیشرفت، تغییر، اصلاحات، به ویژه در امور سیاسی، پیشرفت و بهبود وضعیت جامعه)؛ ۶. فردگرایی (مضامین دال بر تقدم فرد انسانی بر جمع، منفعت‌طلبی فردی، مالکیت فردی، خودپرستی، لذت و شادمانی فردی، خودتصمیم‌گیری، خودبهبودبخشی، تحقق اهداف فردی)؛ ۷. برابری‌گرایی (مضامین دال بر برابری انسان‌ها در زندگی اجتماعی، برابر قانون، بر خوداری از حرمت و حقوق انسانی، حق

۴۱. راجر دی ویمر، و جوزف آر. دومینیک، تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه کاووس سیدامامی، (تهران: سروش، ۱۳۸۴)،

۴۲. برای آگاهی بیشتر، نک: محمدتقی ایمان و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال ۳،

زنان برای برخورداری از حقوق و فرصت‌های اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، تحصیل، شرکت در انتخابات، و نظایر آن؛^{۴۳} ۸. آزادی‌گرایی (مضامین دال بر نفی استبداد اعم از استبداد مذهبی، سیاسی، اقتصادی، پاسخگو بودن دولت، مشارکت سیاسی، آزادی اقتصادی، حق آزادی عقیده، حق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها، انجمن‌ها، شرکت در انتخابات، و نظایر آن)؛^{۴۴} ۹. دنیاگرایی (مضامین دال بر لزوم زدودن دین از عرصه‌های مختلف زندگی اعم از سیاست، آموزش و پرورش، اخلاق، و ...). به طور نمونه:

مؤلفه مدرنیته	مضمون	گزاره
برابری‌گرایی	برابری انسان‌ها در برابر قانون	"حقوق به نسبت ارتباط در میان انسانها مشترک است. رعایت و حفظ این حقوق، فرض عمومی و مشترک آنهاست." ^{۴۳}
آزادی‌گرایی	آزادی در قانون‌گذاری و اجرای قانون	"قوانین که با آزادی گذاشته شده است با آزادی باید اجرا شود." ^{۴۴}

ب) جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه‌های مدرنیته: جهت‌گیری با تعیین واژگان مثبت و منفی متن، مانند صفات مثبت یا منفی به کار رفته برای توضیح مؤلفه‌ها و بیان دیدگاه‌ها درباره آنها مشخص می‌شود. حداقل یک پاراگراف، مطالعه و تحلیل می‌شود تا جهت‌گیری، داوری متن و نویسنده نسبت به هر یک از مؤلفه‌ها مشخص شود.

ج) استناد یا ذکر شواهد: مقصود از آن، منابع مشروعیت‌سازی است که نویسنده یا گوینده برای اثبات ادعای خود پیرامون مؤلفه‌های مدرنیته به آن‌ها استناد می‌کند و این منابع می‌تواند در قابل قبول جلوه‌دادن یا غیرقابل قبول نشان دادن استدلال‌ها مؤثر باشد.^{۴۵}

د) دلالت‌های ضمنی متن: متن درصدد ایجاد ذهنیت پیرامون کدام آموزه‌های فکری و توصیه‌های عملی است (تلقین) و می‌کوشد کدام افکار و ایده‌های ناگفته در متن را به ذهن مخاطب یادآوری یا تداعی کند.^{۴۶}

۴۳. روزنامه اختر، فاقد عنوان، سال سوم، شماره ۲۷ (۱ محرم ۱۲۹۴ ه.ق)، ص ۲۷.

۴۴. روزنامه اختر، «آزادی و آزادگی»، سال سوم، شماره ۴ (۴ محرم ۱۲۹۴ ه.ق)، ص ۱.

۴۵. محمد مهدی فرقانی، راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۷ - ۱۳۸۵) (تهران: فرهنگ و اندیشه،

۱۳۸۲)، ص ۵۲ - ۵۱.

۴۶. فرقانی، ص ۵۳ - ۵۲.

علاوه بر متغیرهای یاد شده، مشخصات هر مطلب شامل سبک مطلب، نام نویسنده یا منبع مطلب، و عنوان مطلب ثبت خواهد شد.

جامعه ایران در سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ قمری

کمتر از چهار سال نخست از دهه ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰ در دوره سلطنت مظفرالدین شاه، سه سال آن (۱۳۲۷ - ۱۳۲۴) در دوره محمدعلی شاه، و باقی آن در دوره سلطنت احمدشاه قاجار سپری شد. پیش از آن، در دوره ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴ ه.ق)، تحولاتی در ساختار فرهنگی و وضعیت اقتصادی جامعه رخ داده بود. تأسیس دارالفنون و مدارس جدید، تدریس علوم جدید در مدارس، انتشار نخستین نشریات منظم، هر چند دولتی، بخشی از جامعه را با تحولات جهانی آشنا ساخته و کارخانه‌ها و صنایع مختلفی همچون بلورسازی، ابریشم‌تابی، توپ‌ریزی، استخراج معادن، و ... با تلاش‌های اصلاح‌گرانه امیرکبیر، مستشارالدوله و سپهسالار ایجاد شد و بحران‌های اقتصادی نیز به دلایل مختلفی، همچون دخالت بیگانگان و تلاش کشورهای اروپایی به‌ویژه روس و انگلیس برای تأمین منافع اقتصادی خود در ایران، کارشکنی عوامل وابسته به بیگانگان، بحران جهانی نقره، رخ داد. در آغاز دهه مورد بررسی این پژوهش نیز کشور همچنان در بحران اقتصادی به سر می‌برد و برای رفع آن، ناچار به استقراض از روس و هند متوسل شد. این درحالی است که در این مقطع تاریخی، ایران، وقوع حوادث سیاسی - اجتماعی را نیز تجربه کرد که انقلاب مشروطه برجسته‌ترین آنهاست.

به گواه تاریخ، نخستین جرقه‌های وقوع انقلاب مشروطه با ماجرای گران شدن قند در تهران و به چوب بسته‌شدن هفده بازرگان و دو نفر سید توسط علاءالدوله حاکم تهران آغاز شد که اعتراض بازاریان، بلکه خشم روحانیان و عموم مردم را برانگیخت و به سخنرانی علما بر ضد استبداد، خواست برکناری صدراعظم و تشکیل عدالتخانه منجر شد. درخواست تشکیل عدالتخانه، به تدریج به خواست برقراری مشروطه تغییر یافت و با صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه، و برگزاری نخستین انتخابات مجلس شورای ملی در کشور، اولین پارلمان هم به تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ه.ق (۱۴ مهر ۱۲۸۵ ه.ش / ۷ اکتبر ۱۹۰۶ م) افتتاح شد. قانون اساسی، به تصویب و در آخرین روزهای زندگی مظفرالدین شاه به امضای او رسید.

با مرگ مظفرالدین شاه و جانشینی محمدعلی میرزا، ایران در این دوره تاریخی، شاهد مخالفت‌های شاه جدید با مشروطه و نمایندگان مجلس، و سرباز زدن او از امضای قانون اساسی،

به تحریک روس‌هاست که منافع سیاسی و اقتصادی خود را مورد تهدید مشروطه‌خواهان و پارلمان ایران می‌دیدند. روس‌ها سرانجام با اعزام بریگارد قزاق مجلس و مدرسه سپهسالار را در تاریخ ۲۳ جمادی ۱۳۲۶ (۲ تیر ۱۲۸۷ ه.ش، ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م) به توپ بست و آزادی‌خواهانی همچون ملک‌المکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل در باغ شاه کشته شدند.^{۴۷}

جنبش مشروطه شکست خورد و بسیاری از روشنفکران و آزادی‌خواهان به خارج از کشور مهاجرت کردند و با اعلام حکومت نظامی در تهران، دوره استبداد صغیر در ایران آغاز شد. اما با انتشار خبر وقایع تهران، مردم تبریز و سپس بختیاری‌ها، مردم رشت و اصفهان (۲۳ جمادی ۱۳۲۶ ه.ق) قیام کردند و اعلامیه‌ای از سوی مجتهدان نجف و کربلا در حمایت از حکومت پارلمانی و مخالفت با محمدعلی شاه صادر شد. این اعتراضات در تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق (۲۲ تیر ۱۲۸۸ ه.ش / ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ م)^{۴۸} به فتح تهران، خلع محمدعلی شاه از سلطنت و تاجگذاری احمدشاه نجامید و مجلس، دوره دوم فعالیت خود را آغاز کرد.

با این حال، کارشکنی بیگانگان علیه ایران ادامه داشت، به گونه‌ای که روس و انگلیس به موجب قراردادی به سال ۱۹۰۷ میلادی، ایران را میان خود تقسیم کردند.

وضعیت مطبوعات و روزنامه‌تمدن در سال‌های مورد بررسی

نشریات سال‌های ۱۳۲۴ - ۱۳۲۰ ه.ق به لحاظ نشر، از پیچیده‌نویسی به ساده‌نویسی روی آوردند. مطبوعات فارسی‌زبان خارج از کشور به خصوص، حبل‌المتین چاپ کلکته، و نشریات قاهره (ثریا و پرورش) با برخورداری از آزادی بیان بیشتر نسبت به مطبوعات داخلی، نسبت به مفاهیمی چون آزادی، قانون و برابری آگاهی می‌دادند. با وقوع جنگ ترانسووال در آفریقای جنوبی و ژاپن و روس (سال‌های ۱۳۲۲ - ۱۳۲۱ ه.ق)، مطبوعات داخلی از یک‌سو، بر لزوم مقابله با استبداد سیاسی و استعمار خارجی و از سوی دیگر، ضرورت تعلیم و تربیت، وحدت و برادری، و چیستی قانون آگاهی می‌دادند. در اواخر دوره مظفری، تعداد مطبوعات هم فزونی گرفت و همزمان با آغاز نهضت مشروطه، به پنج برابر سال‌های قبل رسید^{۴۹} و تغییرات دیگری همچون افزایش تعداد سرمقاله‌های انتقادی، کاهش نظارت

۴۷. موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱)، ص

۲۸۰ - ۲۷۰

۴۸. درباره فتح تهران، تاریخ‌های مختلفی در منابع مختلف ذکر شده است.

۴۹. سیاوش شوهانی، «تحلیل آماری مطبوعات ایران از عصر مظفرالدین شاه تا سقوط قاجار (۱۳۴۳ - ۱۳۱۳ ه.ق)»، پیام

بهارستان، سال ۱، شماره ۴ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۱۰۶۸ - ۱۰۵۷.

بر مطبوعات، و در نظر گرفتن آزادی مطبوعات در اصل ۱۳ قانون اساسی کشور به وقوع پیوست.^{۵۰} با فراگیر شدن موضوعات و توجه عمومی به نشریات، دربار قاجار، مطبوعات را با ایجاد محدودیت‌های گسترده، ممیزی، سانسور و توقیف گسترده، انحلال وزارت انطباعات و گشایش دو وزارتخانه به منظور انجام وظایف آن در سال ۱۳۲۵ ه.ق محدود کرد.^{۵۱} با بمباران مجلس، همه مطبوعات توقیف شدند و تنها دو روزنامه در تهران، به نام‌های *اقیانوس* و *ندای وطن* به چاپ می‌رسید که این دو هم یکی پس از دیگری، تعطیل شدند. پس از سقوط محمدعلی شاه، و آغاز به کار مجلس دوم، مطبوعات بسیاری به ارگان احزاب تبدیل شدند.

امتیاز نشر روزنامه تمدن در دوره مظفری، صادر و با شروع سلطنت محمدعلی شاه و از تاریخ ۱۷ ذی الحجه ۱۳۲۴ ه.ق (۱۳ بهمن ۱۲۸۵ ه.ش) در قالب هفته‌نامه خبری - سیاسی، چاپ خود را به صاحب امتیازی، مدیریت و نویسندگی محمدرضا مدیرالممالک هرنندی اصفهانی آغاز کرد، همو که علاوه بر تمدن، *دیوان عدالت* (۱۳۲۸ ه.ق) و *ایران* (۱۳۳۱ ه.ق) را به جهان مطبوعات فارسی‌زبان ایران معرفی کرد و مدیریت روزنامه رسمی *دولت ایران* را هم بر عهده داشت.^{۵۲} در نخستین شماره تمدن آمده‌است:

«این روزنامه که بیغرضانه، آئینه‌عیب‌نمای ملی است مسلک نگارشش ارائه طریق صلاح مملکت و فلاح ملت و استحکام اساس مساوات و حریت و انتشار نکات جالبه توجه و دقت اعضاء محترم مجلس شورای ملی خواهد بود مقالات عام‌المنفعه پذیرفته و درج خواهد شد».^{۵۳}

همچنین در این شماره نوشته شده: «تمدن مانند تیمس لندن و تان پاریس و المؤید قاهره به صورت روزانه انتشار خواهد یافت» اما در عمل، از شماره نهم (۱۹ صفر ۱۳۲۵ ه.ق) به صورت دو

۵۰. در اصل ۱۳ این قانون، ضمن اشاره به آزادی مطبوعات گفته شده بود: «... هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد، در روزنامه عمومی بنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچکس مستور نماند». کاظم معتمدنژاد، *ارتباطات در جهان معاصر: تحول اندیشه‌ها، نهادها و عملکردهای ارتباطی* (تهران: نشر شهر، ۱۳۸۸)، ص ۱۷۱ - ۱۷۰

۵۱. اولین توقیف رسمی مطبوعات، به تاریخ ۲۲ جمادی ۱۳۲۵ ه.ق با توقیف صوراسرافیل به دلیل انتشار مقاله‌ای با نام «ظهور جدید» رخ داد. حبل‌المتین، به تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ ه.ق به دلیل انتشار مقاله‌ای که علیه روس دانسته‌شد و اعتراض سفیر روس را در پی داشت، تعطیل شد. توقیف‌های غیرقانونی و خودسرانه‌ای هم با تعطیل نشریه فریاد، ارگان انجمن ولایتی ارومیه به تاریخ ۲۴ ربیع الثانی همین سال، توقیف روزنامه عدالت (تبریز) به تاریخ جمادی ۱۳۲۵ ه.ق به دلیل انتشار مقاله «زن و معارف»، و تبعید مدیر نشریه خیرالکلام در رمضان ۱۳۲۵ ه.ق به دستور حاکم گیلان، توقیف روح‌القدس به دستور وزیر جدید معارف به تاریخ ۱ شوال ۱۳۲۵ ه.ق در تاریخ مطبوعات ایران ثبت شده‌است. ناصرالدین پروین، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷)، ص ۴۹۷ - ۴۹۲

۵۲. مورگان شوستر، *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری (تهران: صفی علیشاه، چاپ دوم، ۱۳۵۱)، ص ۲۰۸

۵۳. تمدن، سرلوحه روزنامه، سال اول، شماره (۱۸ ذیحجه‌الحرام ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۱.

شماره در هفته چاپ شد، و از نخستین شماره سال دوم (۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ه.ق) به چهار شماره در هفته افزایش پیدا کرد.

تمدن که یکی از پنج روزنامه اساسی دوره نخست مشروطه نام گرفته است،^{۵۴} با وقوع استبداد صغیر تنها ۱۴ شماره چاپ شد؛ به طوری که آخرین شماره آن در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ انتشار یافت و پس از چهار ماه، یک شماره نیز در بمبئی (رمضان ۱۳۲۶ ه.ق) توسط سید جلال‌الدین مؤید الاسلام و سپس یک شماره در رشت (۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق) از این نشریه به چاپ رسید. گفته می‌شود که عمر تمدن، در مجموع و با در نظر گرفتن دو شماره رشت و بمبئی، ۹۵ شماره بوده است. ادوارد براون، اهمیت تمدن را در انعکاس «حوادث و اخبار ایران و کشورهای خارجی» به شیوه‌ای «مطبوع» می‌داند و می‌نویسد: «به همین جهت در میان مطبوعات فارسی مقام ممتاز و مخصوصی داشت.»^{۵۵}

سؤال‌های تحقیق

بر اساس چارچوب مفهومی و مباحث پیش گفته، پرسش اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های مدرنیته در نشریه تمدن سال ۱۳۲۵ ه.ق چگونه انعکاس یافته‌اند؟ سؤال‌های فرعی تحقیق برای رسیدن به پاسخ این پرسش عبارتند از:

۱. کدامیک از مؤلفه‌های مدرنیته در نشریه مورد بررسی انعکاس یافته‌اند؟
۲. در انعکاس هر یک از مؤلفه‌های مدرنیته، چه جهت‌گیری در متن قابل مشاهده است؟
۳. در انعکاس هر یک از مؤلفه‌های مدرنیته، به کدام منابع مشروعیت‌ساز جهت‌ارزیابی مثبت یا منفی هر یک از مؤلفه‌ها یا بیان و اثبات یا رد نظرات مختلف، استناد شده است؟
۴. در انعکاس هر یک از مؤلفه‌های مدرنیته در مطبوعات دوره مورد بررسی، چه دلالت‌های ضمنی به کار رفته است؟

یافته‌های تحقیق

۲۶ مطلب از این روزنامه در اینجا مورد بررسی قرار گرفته که ضمن بیان مشخصات مطلب،

۵۴. محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران (تهران: بعثت، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۳.

۵۵. ادوارد براون، تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطیت، جلد دوم، ترجمه محمد عباسی (تهران: معرفت، ۱۳۳۷)،

گزیده‌ای از آن ارائه می‌شود. مؤلفه مدرنیته، منابع مشروعیت‌ساز و دلالت‌های ضمنی سه موضوع اصلی در بررسی مطالب برای رسیدن به یافته‌های تحقیق است.

مشخصات مطلب: مقاله «لایحه شهری»، امضا محفوظ

گزیده مطلب: «نامه تمدن بالنسبه به سایر روزنامجات الحق معایب و مفاصد ملت را خوب آئینه و طریق اصلاح عامه را نیکو جاده ایست ولی افسوس که خباثت و خیانت خائنین را هیچکس توضیح نمی‌نگارد و کما فی‌السابق مستور می‌ماند. آیا روزی را خواهیم دید که هر کس به غرض شخصی حقوق سی کرور نفوس مسلمان را پامال می‌نماید اقلأ نفی بر ریش نحسش بیندازند... شما مغرضین و مفسدین را نیکو می‌شناسید و از افعال شنیعه آنها بهتر اطلاع دارید که چه می‌کنند و چگونه ملت فروشی را شعار خود ساخته اند. به حقیقت قرآن مبین که کتاب آسمانی ماست سوگند یاد می‌کنم اگر وضع خودتان را تغییر ندهید عقلای قوم خیانت شما را ثابت و به حکم قانون محمدی هم مجازات خواهند نمود. اگر خداوند قبل از بیداری ملت ریشه‌تان را از زمین بر کند و عمرتان کفایت نکند و به مجازات دنیوی نرسید فرزندان‌تان فارغ‌البال نخواهند زیست. راهی نروید که برای خود و نوع خودتان مخاطره داشته باشد. حکمی نکنید که مخالفت با حکم خدا و پیغمبر نماید. حرفی نزنید جز اینکه صلاح عامه و فواید ملت در او منظور شود.»^{۵۶}

مؤلفه مدرنیته: فردگرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: منفی

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. عملکرد مغرضین و خائنین که منافع شخصی را به منافع ملی ترجیح می‌دهند. ۲. باورهای مذهبی

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم تلاش برای رفع معایب، محترم شمردن حقوق ملت و حفظ اساس مشروعیت به دست آمده، پرهیز از مطامع شخصی دلالت دارد.

مشخصات مطلب: سرمقاله نشریه تمدن با عنوان «تزلزل ارکان سیاست و پلتیک در ایران»

مؤلفه مدرنیته: فردگرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: منفی

گزیده مطلب: «ملیت ایرانیان که به واسطه بطالت آنان در شرف اضمحلال بود اینک به یک مرتبه جنبش و حرکت نموده و هر ساعت حقی از حقوق منصوبه خود را مطالبه می‌نماید. از طرف دیگر دولت ایران و رتبه سلطنت در این سامان به آداب و عادات مخصوص خو گرفته و هرگز هیئت ملت

را قابل هیچ گونه اعتنا نشمرده. ... از طرف دیگر یک عده اشخاص که بعضی از جهت جنبه تقدم و برتری نسبی و برخی از روی تقلب و نیرنگ خود را طرف توجه عوام قرار داده و اکنون تازه به دوران رسیده‌اند موقع را غنیمت در هر مقام حصول مقاصد شخصیه بر انجام فوائد نوعیه مقدم داشته مقتضیات پلتیک خود را از دست نمی‌دهند. این است مبنای آنچه ما از تزلزل ارکان سیاست و پلتیک منظور داریم...»^{۵۷}

منابع مشروعیت‌ساز: شرارت مخالفان مشروطه و استبدادطلبان

دلالت‌های ضمنی: ضمن یادآوری منفعت‌طلبی افراد در دوران مشروطه، بر ضرورت وحدت ملت و دولت، حفظ مشروطه و پرهیز از ارتباط با بیگانگان و معارضان مشروطه دلالت دارد.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «اثر خامه جناب فصیح‌المتکلمین» (مدیر نشریات خیر‌الکلام و ساحل نجات)

گزیده مطلب: مقاله با حکایتی از سلطان محمود غزنوی آغاز می‌شود که پس از فتح هندوستان، هنگامی که خواست بت بزرگ موسوم به سومنات را بشکند برهمنان و هندوان دربار خواستند با پرداخت مبلغی، بت را از او خریداری کنند و مانع تخریب آن شوند. سلطان محمود مقابل آنها ایستاد و گفت: «من از آن می‌ترسم که مرا در قیامت در جنب آذر نگه دارند و منادی در عرصه محشر ندا کند که این آذر بت تراش است و این محمود بت فروش. من طاقت این ندا ندارم. این گفت و با تبرزین بر شکم سومنات زد که خورد شد و جواهرات از شکم آن ریخت». سپس نویسنده ادامه می‌دهد: «ای مدیران جراید که به پنجاه تومان رشوه چشم از حق می‌پوشید و تمجید از مستبدین می‌نمایید آیا می‌دانید که رب اکلہ تمنع الاکلات. این پنجاه تومان پانصد تومان بلکه هزارها به شما ضرر می‌زند به چه طریق؟ به این طریق که جریده شما مبعوض ملت می‌شود. اگر پنجاه تومان را نمی‌گرفتید و حق گوئی و حق نویسی می‌کردید البته صد مقابل جریده شما طالب داشته است... ای وزرای عالیقدر چقدر شایسته بود که چشم از منفعت آنی خود ببوشید و در پی تحصیل امنیت و عدالت و ترقی ایران برآیید... ای ملانماهایی که چنگ به دامن استبداد زده‌اید و به واسطه مبلغ گزاف رشوه خود را در محشر دین‌فروشی حاضر کرده‌اید چه ضرر داشت با سایر حجج اسلام در این مقام ایستادگی کرده و سومنات بی‌دینی را خورد می‌کردید.»^{۵۸} به این ترتیب از آنها می‌خواهد با اتحاد و

۵۷. تمدن، «تزلزل ارکان سیاست و پلتیک در ایران»، سال اول، شماره ۴۹ (۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ق)، ص ۳ - ۱.
 ۵۸. تمدن، فصیح‌المتکلمین، «اثر خامه جناب فصیح‌المتکلمین»، سال اول، شماره ۴۹ (۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ق)، ص ۴ - ۳.

تلاش، مشروطه را حفظ کنند.

مؤلفه مدرنیته: فردگرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: منفی

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. یک حکایت ۲. اخلاق روزنامه‌نگاری، معنای وطن‌خواهی و ترقی، مبتنی بر چشمپوشی از منافع فردی، و حقیقت‌نویسی است. ۳. باورهای مذهبی دلالت‌های ضمنی: بر ضرورت حفظ مشروطه، حق‌نویسی جراید، بیداری تمام اقشار جامعه در برابر استبداد سیاسی و فتنه‌های که آزادی حاصل از مشروطه را تهدید می‌کند، دلالت دارد

مشخصات مطلب: مکتوبات (نامه مخاطبان) با عنوان «مکتوب یکی از مخدرات»، امضا محفوظ

گزیده مطلب: «به پدران و برادران وطن عزیز خود شمه از شرح حال بدبختی خودمان یعنی ما زنها

عرضه می‌دارم تا شاید در این میانه فریادرسی هم برای ما بدبختان پیدا شود... ما زنها اگر رعیت بودیم باید غیر از خانه‌داری و بچه‌داری کار دیگر نکنیم اگر شوهرمان قوه نداشت پنج سیر نان از برای تعیش فراهم کند ما زنها عرضه اینکه بتوانیم خرج یک شب را روبراه کنیم نداشتیم. شما پدران ما بودید که ما را اینطور پروریدید و گرنه ما هم چون عموم خلائق دارای هوش و ذکاوت بودیم. فرقی که داشتیم ما زن بودیم و شماها مرد. حال به چه جهت از چه راه به کدام امتیاز باید آن اشخاصیکه ادعای وطن پرستی می‌کنند از تنبلی و بی‌علمی زنها سخن برانند... این زنها همیشه پیش قدم‌تر از مردها بوده‌اند چنانچه بعد از قتل سید عبدالمجید گل و لای بر سر خود زده و سب غیرت مردها گردیدند و همین زنها هستند که چه مجلس حکم به تأسیس بانک ملی فرمود گوشوار و النگوی خود را فروخته دادند... اگر از راه غیرت و تعصب می‌گویید زنها تنبل و تن‌پرور هستند چاره این کار بسیار سهل است. چندین مدرسه باز کنید دخترهاتان را که تازه اول نمو آنهاست بگذارید تحصیل کنند. صنعت فراگیرند تا مثل ما تن‌پرور و بی‌سواد نباشند. تا هم شما و هم ما سربلند باشیم.»^{۵۹}

مؤلفه مدرنیته: برابری گرای جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. نمونه‌هایی روشن از تبعیض جنسیتی در جامعه ایران قاجار ۲. شواهدی

از توانایی زنان

دلالت‌های ضمنی: ضمن انتقاد از وضعیت اجتماعی زنان ایران و تبعیض جنسیتی، بر لزوم برابری زنان و مردان در برخورداری از امکانات و تسهیلات به‌ویژه تحصیل دلالت دارد و خواهان برخورداری زنان از حقوق شهروندی است.

مشخصات مطلب: پاسخ به مکتوبات با عنوان «تمدن»

گزیده مطلب: «تشکیات خواهر وطنی خودمان را تصدیق داریم و انشأاً الله مراتبی که لازم است در این باب از طرف دولت و ملت رعایت شود در نمره آتیه خواهیم نگاشت.»^{۶۰}

مؤلفه مدرنیته: برابری‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: تبعیض جنسیتی در جامعه ایران را بنابر همان شواهد بیان شده در نامه مخاطب (مطلب فوق) تأیید می‌کند.

دلالت‌های ضمنی: بر ضرورت توجه دولت و ملت به حقوق زنان و رفع عقب‌ماندگی‌ها در این زمینه دلالت دارد.

مشخصات مطلب: گزارش با عنوان «بقیه تذکره از سوابق عالم»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «فی الجملة به واسطه این غفلت و نفاق تمام ثروت و شرف ما رفته بود و نزدیک بود که رشته ملیت و ناموسمان هم گسسته شود که خداوند تبارک و تعالی تفضل فرمود به یکمرتبه ماها را بیدار و اساس مقدس مجلس شورای ملی را عنایت فرمود. پس بر ذمه عموم افراد ملت است که این نورسیده را دایه وار در مهد امانش بهروراندند و از هر گونه حرارت ایمنش دارند و اغذیه که اسباب نقاهت مزاج اوست نچشانند منجمله از لوازم نگاهداری این است که هر کس هر چه می‌داند در ترقی وطن عزیز بی‌غرضانه به عرض برساند. این است که بر حس ادای تکلیف مختصری از ترتیب ایالات فارس به عرض برسانم.... تمام کارهای معاش ایالات با نسوانشان است. به علاوه صنعت قالی بافی را هم دارا هستند و اگر یک وقت مردها نباشند نسوان با کمال جلالت از عهده حفظ و حراست خودشان بر می‌آیند. و جنگجویی شیوه و کار طبیعی مردهای این ایالات است و آهنگرهای اینها تفنگ و فشنگ را در کمال خوبی می‌سازند در صورتیکه اصلاً استاد ندیده اند. اما هزار افسوس که همیشه این طوایف دلیر را به رؤسای دزد و بداخلاق پرورده اند که این بیچاره‌ها جز دزدی و قتل و غارت نوع به هیچ طریق و کاری پی نبرده اند و حال آنکه اهالی فارس طبعاً غیور و شرافت دوست هستند. پس نیست باعث این شرارت ایالات مگر رؤسای آنها. چهل سال مشیرالملک رئیس بوده و بیست و دو سال است قوام الملک علم ظلم و استبداد و بی‌حمیتی در میان این طوایف افراشته..»^{۶۱}

مؤلفه مدرنیته: روح حاکم بر کل مطلب، آزادیخواهی از بیوغ استبداد است. جهت‌گیری متن نسبت

۶۰ تمدن، «تمدن»، سال اول، شماره ۲۰ (۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۳.

۶۱ تمدن، «بقیه تذکره از سوابق عالم»، سال اول، شماره ۲۰ (۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۳ - ۲.

به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیّت‌ساز: نمونه‌هایی از مظالم حکام ولایات دلالت‌های ضمنی: به طور ضمنی خواستار آزادی ایلات و عشایر از استبداد رؤسای ایلات است. باید حقوق آنها را رعایت کرد؛ در راه حفظ مشروطه، مجلس و «ترقی وطن عزیز» باید همه اقشار را در نظر داشت.

مشخصات مطلب: گزارش با عنوان «بی غرضی می‌نگارد»، امضا محفوظ

گزیده مطلب: نامه یکی از اهالی خلخال به نشریه تمدن است که طی آن از ظلم حکام جدید شکایت دارد و خواستار آزادی انجمن خلخال و اعضای آن است. در بخشی از نامه آمده است: «سه چهار ماه قبل در محال اسلم تجار خلخال انجمن بلدی بر پا دست ظالمین و مستبدین را از سر رعیت مظلوم کوتاه داشته بودند و حصول چنان امنیت و رفاه در انظار این بیچارگان که هیچ وقت تصور آن را نداشتند از جمله کرامات و خارق عادت می نمود. ولی بدبختانه دولت مستعجل بود ولی خان طالشی را که در طهران تازه ملقب به اشجع الدوله شده به حکومت اسالم نامزد گردید. به مجرد ورود دست استبداد بنای انجمن اسالم را از بیخ بر کند. خانه‌ها خراب گردید مالها به یغما رفت و پاهای فلک شد و زنها حبس و زنجیر گردیدند. اگر یک نفر طالشی در این مدت در ضمن صحبت اسمی از انجمن مذاکره کرده بود هست و نیست خود را باخت و بر جان هم ایمن نیست... ملیت بر آنم داشت شمه از حالات این ستمدیدگان را به شما اظهار و ذمه خود را از عهده تکلیفی که بدان وارد است برهانم. حال در درج آن مختارید البته به آنچه زمه خودتان را مرهون می‌دائید ادا خواهید کرد.»^{۶۲}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیّت‌ساز: نمونه‌هایی از مظالم حکام ولایات دلالت‌های ضمنی: بر لزوم آزادی مردم از استبداد حکام، رعایت حقوق رعیت، به عنوان شرط حفظ مشروطه و مجلس دلالت دارد.

مشخصات مطلب: گزارش با عنوان «مختصری از اوضاع کاشان»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «فعلاً از حکام و رؤسای که آب و گلشان از استبداد سرشته چشم بهی داشتن بود خاک در دیده انباشتن. اگر بخوایم جزء جزء مطلب را عرض کنم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. اگر از طهران مأمور امینی بی‌نفاق و طمعی آمد کاشان و اعلان دادخواهی داد آن وقت معلوم می‌شود که اهالی فقیر بیچاره از دست خود حاکم و اجزاء گرسنه مخصوصاً جنابان منشی باشی و فراش باشی چه کشیده و

می‌کشند. ملاحظه فرمایید. یک شهر کاشان خراب و قریب یکصد فراش بی‌انصاف که اقل ما اقل روزی سه قران بخواهند سی تومان می‌شود و تمام این وجوهات باید از فقرا و ضعفا بی‌زبان اخذ شو. به علاوه آدمهای آقایان و غیره هم قسمت دارند. مردم بیچاره چه حالی دارند. غریب آن است که راپورت می‌دهد پنجاه فراش اخراج شده. خلاصه انشاءالله اخراج فراش به وقوع خواهد رسید.»^{۶۳}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: نمونه‌هایی از مظالم حکام ولایات دلالت‌های ضمنی: بر لزوم آزادی مردم از استبداد حکام، رعایت حقوق رعیت و آزادی آنها، به عنوان شرط حفظ مشروطه و مجلس شورای ملی دلالت دارد.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «مکتوب ملکوتیان ملاً اعلا به غیرتمندان انجمن اسلامی شیراز»، نویسنده: فرشتگان ملاً اعلی

گزیده مطلب: نویسنده معتقد است خدا به واسطه بی‌انصافی و ظلم مردم ایران به یکدیگر، نظر لطف خود را از ایران برداشت و به اروپا و ژاپن اعطا کرد. ریشه استبداد در ایران قوی‌تر شد و به ویرانی کشور انجامید. به مظفردالدین شاه امر شد که ای برگزیده سلاطین آنچه سالهاست در دل داری، بکن. او مشروطیت و حریت رعیت را نگاشت و خدا از شادی و رضایت آن پادشاه عادل را با خود برد و محمدعلی شاه حاکم شد. حال، «ما فرشتگان را دست به دعا دراز است که حق تعالی نفاق را از میان شماها بیرون فرماید و در آن خیال مقدس [مشروطه خواهی] شما را یاری نماید. مابقی طایفه غیرت و حمیت سفر کرده عدالت و انصاف را برداشته قانون و بودجه مالیات را از مجلس محترم ملی گرفته به ملک شما می‌رسانند. ریشه استبداد را می‌کنند و نفاق را از خاک فارس بر می‌اندازند. ثابت قدم باشید. علم اتحاد را برافرازید و درخت استبداد براندازید و خود را نیز بلند سازید که چراغی را [که] ایزد بفرورد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد.»^{۶۴}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. اعتقادات و باورهای مذهبی (کل مطلب بر اعتقادات دینی و باور به قدرت لایزال خداوند استوار است) ۲. تجربه سایرین (اروپا و ژاپن) ۳. اقدام مظفردالدین شاه در اعلام مشروطه

۶۳ تمدن، «مختصری از اوضاع کاشان»، سال اول، شماره ۲۰ (۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۳.

۶۴ تمدن، «مکتوب ملکوتیان ملاً اعلا به غیرتمندان انجمن اسلامی شیراز»، سال اول، شماره ۱۰ (۲۳ صفر ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۳-۲.

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم اتحاد و حفظ مشروطه از آفت‌های مختلف، از جمله محدود کردن آزادی مردم دلالت دارد.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «ملت ایران را سعادت پاینده باد»

گزیده مطلب: «ای برادران وطنی. شما مردمانی هستید که روزگار به اقتضای طبیعت امروزه خود شما را از عالم استبداد و مملکتی که سکنه آن تن به قبول ظلم و گردن به زنجیر تعدی نهاده بودند کوچانیده و به کشور مشروطیت و عالم آزادی که مسکن آزادگان و مأمن دربرداران است ورود داده. آیه شریفه «الله ولی الذین آمنو یخرجهن من الظلمات الی النور» درباره شما مصداق یافته است. ای برادران. کاری نکنید که از این اوج ترقی به حسیض ذلت تنزل فرود آئید. مشروطیت مملکت و بیداری شماها هوش و گوش عالم را به سوی شما متوجه ساخته. ترقیات ژاین را از شما منتظرند... پدر تاجدار مهربان آزادی‌بخش خود را بیرستید و از این مسئله غفلت نکنید که محکم‌تر دمی که امروزه خرسک‌بازان اروپا در راه شما نهاده‌اند این است که به دسایس موجبات غفلت دولت و ملت را فراهم آورند تا به مقاصد خود نائل شوند. در این اوقات که شاه فرشته خصال حقوق‌چندین هزار ساله بیچارگان را به خودشان مسترد فرموده امیدواریم همواره سایه حمایت خود را از این بیچارگان باز نگیرد و حقوقی که بمن له الحق تسلیم فرموده است از دست حمله دزدان حفظ فرماید.»^{۶۵}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. تجربه سایر کشورها (ژاپن) ۲. شعر ۳. اقدام مثبت مظفرالدین‌شاه و اعلام مشروطه ۴. باورهای مذهبی (آیه قرآن) دلالت‌های ضمنی: بر لزوم بیداری اجتماعی، حفظ مشروطیت و آزادی به دست آمده، به‌ویژه از سیاست‌های اروپا دلالت دارد.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «جالب دقت ریاست نظمیه»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: مقاله، نقد رفتار رئیس نظمیه نسبت به مردم است. رئیس نظمیه سوار بر درشکه در خیابان تنگ چراغ برق که پر از جمعیت و گل آلود بوده است، بدون اعتنا به جمعیت، به سرعت قصد عبور داشته است. ژاندارم‌های همراه او نیز با مردم خشونت‌آمیز رفتار کرده‌اند تا درشکه سریعتر بگذرد. نویسنده مقاله پس از بیان ماجرا، با اشاره ضمنی به آزادی حاصل از مشروطه ادامه می‌دهد: «این هم در حقیقت یکی از دردهای بی‌درمانی است که به مرور دهوری مرکز اذهان شده بود

که ضعیف بایست مغلوب قوی باشد ولی خدای ضعفا نخواست و آنها را همت و غیرت داد که از اقویا قبول تعدی و مغلوبیت نکنند و به اتفاق یکدیگر رفع ظلم از خود بنمایند. جناب رئیس نظمیه. ما شما را نگاهدارنده نظم و ترتیب و حافظ آسایش اهل شهر می‌دانیم. چرا باید در بین راه در عوض اینکه با کمال دقت متوجه حرکات مردم باشید از خود هم غافلید. بر شما لازم است تنظیمات اداره خود را بنویسید و به مجلس تقدیم نمایید که از این کثافت زندگانی خلاص شویم و از زحمت تعبد و تملق و تعظیم نجات یابیم.»^{۶۶}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. تعرض رئیس نظمیه به حقوق مردم ۲. باورهای عمومی ۳. استناد به وظایف رئیس نظمیه
دلالت‌های ضمنی: بر لزوم حفظ اساس مشروطیت با رعایت حقوق و آزادی مردم از سوی دولت و مجلس دلالت دارد.

مشخصات مطلب: گزارش با عنوان «غیرتمندی از انزلی می‌نگارد» امضا محفوظ

گزیده مطلب: شرح مقابله مردم انزلی با نیروهای قزاق روس گزارش شده است. در بخشی از این نامه مفصل می‌خوانیم: «در مقابل قزاق و سوار سینه‌های خود را سپر بلا قرار داده و از شدائد ترسیدیم و [او] فرمانده روس را مراجعت به دریا دادیم و او مجدداً به مرکوب مخصوص دوست محبوب خود سوار و به دریا رفته شب را توقف کرده مجاهدین روزنامه نمره ۷ آذربایجان منطبعه تبریز را به دریا در جهاز مرکوب او بردند در صورتیکه سی نفر سالدات روسی ما را ممانعت از نزدیک شدن می‌کردند... منتخب ما با او حرف زده جریده آذربایجان را که اعمال و افعال قبیحه بیست و هفت ساله ریاست او یکایک در او مندرج بود به دست او داده که بخواند و بداند که ملت تقصیر ندارند. تقصیر در مزاج و طبیعت عالم است که تغییر پیدا کرده و مردم را بیدار نموده... بحمدالله حرف خود را زدیم و مراجعت نمودیم ولی چه کم مجلس شورای ملی ما اجازه ورود او را به این خاک پاک دادند. اکثریت آرا غلبه کرد ما را تقصیری نیست... ای اهالی طهران کجائید. چرا خاموش نشستید. تا قوه دارید رفع شر خائنین و ظالمین را از خود بنمائید. از اینم بیشتر گفتن نشاید.»^{۶۷}

مؤلفه مدرنیته: کل مطلب بیانگر آزادی‌خواهی مردم است. جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

۶۶. تمدن، «جالب دقت ریاست نظمیه»، سال اول، شماره ۳ (۲ محرم ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۲.

۶۷. تمدن، «غیرتمندی از انزلی می‌نگارد»، سال اول، شماره ۲۵ (۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۲.

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. آزادی‌خواهی و استبدادستیزی مردم انزلی در مقابل قزاق‌های روس ۲.

تشبیهات

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم حفظ مشروطه و آزادی به دست آمده، نقش مطبوعات در آگاهی‌رسانی و بیداری جامعه دلالت دارد.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «ایران رفت! کار از کار گذشت!»

گزیده مطلب: «بلی همه می‌گوئیم ایران رفت. کار از کار گذشت. چاره نیست. چیزی که می‌رود شرف قومیت ماست. حریت ماست. چرا می‌رود؟ به علت اینکه ما زنده نیستیم. چرا می‌رود؟ به علت اینکه ما حس نداریم. حمیت نداریم. تمام استقلال خود را از دست دادیم؟ چرا از دست دادیم. به علت اینکه پیروزی اسلاف کبارمان را نمودیم. ابهت و جلال آنها را محو و نابود ساختیم... دو سال بیشتر نگذشته که اهالی روسیه را هوای استرداد حقوق خود بر سر افتاد... کار از کار گذشت. بلی. با این غفلت و بی‌خبری که عروق و اعصاب ما را گرفته و از عالم و عالمیان غافل داشته و یک بهت و حیرتی در بوته اعمال ما گذاشته البته کار از کار خواهد گذشت... اما اگر ایرانی نژادی وصفی است که از دیرزمانی از مغز و دماغ ما خارج شده و به کلیش فراموش کرده‌ایم اندکی در مغزها به هیجان آید کار از کار نخواهد گذشت و ایران مال ایرانیان خواهد بود. منتهی یا مرگ یا نجات... اگر ایرانیان سعادت و نجات خود را در پرتو اساس مشروطیت می‌پنداشتند موانع آن را از جلو برمی‌داشتند و در جاده ترقی گام می‌گذاشتند. این است که ملت ایران هنوز بیدار نیست و به خیر و شر خود برخوردار نه... بلی در هر مملکت که چندی به استبداد گذشت هوای کثیف استبداد اغلب از مواد آن را پلید ساخته و همین که آفتاب مشروطیت بر آن زمین تابیده از آن مواد استحاله پذیرفته و پاک شده و برخی به حال خود باقی مانده یکمرتبه سیلی که ما از آن به هیجان ملی تعبیر می‌نمائیم سرازیر شده و تمام آن مواد کثیفه را برطرف ساخته.»^{۶۸}

مؤلفه مدرنیته: روح حاکم بر کل مطلب آزادی‌گرایی است. **جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه:**

مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. شعار «یا مرگ یا نجات» چینی‌ها در زمان میکادو. ۲. تلاش اسلاف در

راه تحقق آزادی و استقلال وطن ۳. تجربه انقلاب و آزادی‌خواهی مردم روسیه

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم حفظ مشروطیت و آزادی به دست آمده، بیداری اجتماعی، پرهیز از

نفاق، جلوگیری از بازگشت استبداد دلالت دارد. ضمن یادآوری اقتدار گذشته کشور، مخاطب را به ایثار برای وطن و آزادی، ترغیب می‌کند.

مشخصات مطلب: مکتوبات (نامه مخاطبان) با عنوان «عرض حال رعایای ولدان به عموم علمای عامل و مسلمانان متدین ایران»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «ما رعایا عرض می‌کنیم که از طبقات نفوسی هستیم که به کد یمین و عرق جبین قوت و معاش خود را از آب و خاک این مملکت به زحمت و مرارت بیرون آورده برای حفظ جان و مال و ناموس خود هر قدر مالیات و منالی که بما امر شد بدون تخلف و انکار به کارگزاران حکومتی پرداخته و می‌پردازیم... در سنوات اخیره چون مأمورین اخذ مالیات فوق العاده به ما تعدی می‌کردند و مالیات را مضاعف اندر مضاعف از آنچه در کتابچه دولت است به زور و ظلم می‌گرفتند ما بیچاره‌ها محض سد و رفع این تعدی به مرحوم شیخ محمدباقر ولد همین آقا شیخ محمدتقی نجفی پناه بردیم». نویسنده نامه در ادامه توضیح می‌دهد که از سوی خود شیخ نیز مورد تعدی قرار گرفته و به «محکمه عدالت دولتی» شکایت می‌برند و چون «کسی به داد ما نرسید در مسجد سید پناه برده جمعیت کردیم. تا کنون احقاق حقی نشده. لهذا به عموم مجتهدین طهران و علمای با علم و وکلای مجلس مقدس ملی و مدیران جراید خطاب نموده و به تمام رؤسای قادر ملت و دولت عاجزانه معروض می‌داریم امروز که در نهایت عجز و لابه به کمال التماس و تضرع از شما استدعای انصاف و اقدام به رفع ظلم داریم از ما بپذیرید و کوشش در دفعش کنید والا خطابی که در کلام الهی است منتظر باشید که منتقم حقیقی اجرا خواهد داشت. و بشرالذین ظلموا بعذاب الالیم...»^{۶۹}

مؤلفه مدرنیته: آزادی‌گرایی (کل نامه، حاکی از آزادی‌خواهی از جور استبداد حکام ولایات و مأموران دولت است).

جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. مظالم مأموران مالیات و حکام محلی ۲. باورهای مذهبی (آیه قرآن)
دلالت‌های ضمنی: ضمن تداعی فاصله ایران با یک حکومت مشروطه واقعی، بر ضرورت رعایت حقوق مردم و پاسخگویی دولت، مقابله با استبداد سیاسی و آزادی‌خواهی دلالت دارد و وظیفه علما را یادآور می‌شود.

۶۹. تمدن، «عرض حال رعایای ولدان به عموم علمای عامل و مسلمانان متدین ایران»، سال اول، شماره ۴۶ (اول ذی‌القعده

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «پلتیک ایران»

گزیده مطلب: «...بعد از عهدنامه ترکمانچای دولت ایران در هر موقعی حرکتی به خود داده ترتیب و نظمی اندیشیده چاره‌ای از برای دردهای بیدرمان خود به خطا آورده در کمال تردستی و زرنگی دولت روس نقشه خیال آنها را باطل و به وسیله دشمنان داخلی بدتر از اول آنها را به رو درانداخته. چنانچه به وقایع و حوادث سلف و نقشه خیال و طرز پاره‌ای از اقدامات سلاطین قرون اخیر ایران رجوع کنیم معلوم خواهد شد که ایران کراراً رو به بهبودی نهاده و سر از بالین غفلت برداشته اعلیحضرت شاهنشاه مغفور ناصرالدین شده چندین بار در صدد اصلاحات برآمد. شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه در بدایت سلطنت خود در زمان صدرات امین الدوله مرحوم مجاهدات واقعیه و اقدامات کافیه به خاطر آورد. آن صدر عالیقدر تا چه حد در اجرای نیات مقدسه آن شاهنشاه رنج برد و جان عزیز خود را در این راه سپرد اما هنوز به موقع ظهور نرسیده به همان تصرفات سری به کلی بساط برچیده شد و اساس واژگون گردید. دولت روس پس از تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه راه چاره را منحصر بدان دید که به همان تدابیر سری ایرانیان را از این خیال عالی بازداشته نقشه تازه را بر هم زده و دوباره بر خر خود سوار شود.... حالت حالیه ایران عین بسان عمارتی ماند از گل که در نشیب کوهی بنا کرده باشند و هو با نهایت مساعد باریدن باشد و عماقریب سیلی از فراز کوه سرازیر خواهد گشت که بنیان این اساس را از جای برکند. در این حال از برای ابقای آن بنا چاره نباشد جز اینکه مردمان عاقل بصیر از روی حزم و تدبیر جلوی نفوذ سیل سدی بندند.... ای حاشیه نشینان این مملکت ای خفتگان این ملت اندکی به خود آییند. حال مملکت را بنگرید. آتیه خود را در میزان عقل بسنجید. عنقریب گریبان شما در دست بیگانگان است و مملکت شما به دست این و آن...»^{۷۰}

مؤلفه‌های مدرنیته: آزادی‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. سیاست‌های بیگانگان برای استیلا بر وطن ۲. تشبیه ایران به عمارت گلی که در نشیب کوهی قرار دارد و با وزش هر نسیمی در معرض سقوط است. بر اساس تمام این شواهد خواستار آزادی‌خواهی و استبدادستیزی مردم شده‌است.

دلالت‌های ضمنی: تاریخ بیداری ایرانیان را از عهدنامه ترکمانچای می‌داند؛ بر نقش اصلاحگرانی همچون ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه دلالت دارد و ضمن یادآوری خیانت‌های روس و انگلیس به مقاومت و آزادیخواهی در برابر آنها فرامی‌خواند. نباید اجازه داد آزادی و مشروطه از دست برود.

مشخصات مطلب: یادداشت نشریه تمدن با عنوان «تمدن»

گزیده مطلب: «عقب تر دولتی که در این عصر جدید به فکر اصلاحات خود افتاد دولت چین بود و اینک در اندک زمانی لوای ترقی برافراشته.. هوش و گوش عالمیان را به جانب خود متوجه ساخته. چینیان نه فقط در ازدیاد قوای حربیه و تهیه و ترتیب آن سعی نموده و ترقی حاصل کرده بلکه از حیث ادبیات و علمیات حرکت فوق العاده نموده و در اختراع صنایع و بدایع و رفع احتیاجات خود از خارج عنقریب همدوش ملل متمدنه به شمار آیند و سایرین را به خود محتاج کنند آنچه از از تراوش افکار سیاسیون اروپا مستفاد می شود حرکت و هیجان چینیان دول اروپا را به پاره‌ای مفسد و مضار نسبت به خود در آتیه متوجه ساخته. از این رو باشد وجه خائف و درصدد تهیه موجبات دفع و رفع هستند... . پاره‌ای از جراید می نگارند که وضع مشروطیت ایران را به هیچ وجه با حالت بیداری و بهی جوئی چین همسنگ نمی توان قرار داد. با این عقیده ما هم شریکیم و گمان نداریم در این عقیدت به خطا رفته باشیم ولی چیزی که هست موانع داخلی این مملکت در پیشرفت مقاصد زیاده از آن است که بتوان حمل تقصیری بر آنها نمود.»^{۷۱}

مؤلفه مدرنیت: پیشرفت‌باوری جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: تجربه سایر کشورها (چین) دلالت‌های ضمنی: بر میسر بودن ترقی و رفع عقب‌ماندگی‌ها دلالت دارد.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «بقیه از شماره ۳۹»

گزیده مطلب: «حالا اهالی ایران و برادران عزیز ما را شایسته است که اگر فی‌الحقیقه به عواقب وخیمه این غفلت و بی‌خبری برخوردار گشته و درصدد حفظ بقا و ترقی خود برآمده از دایره لفظ اندکی پابرون گذارده از راه کار برآمده (همه حاضریم جاناً ملاً) به صرف که امروز ورد زبان عالی و دانی شده و در موقع امتحان هیچ نشانه‌ای به ظهور نیامده قناعت ننموده با شوق و و رغبت با میل و اشتیاق بدون تمنا و درخواست در این موقع خطرناک مترصد اقدامات یکدیگر نگریده مردانه قدم به میدان نهند و هر که را هر چه ممکن است با کمال منت ایفاد دارد... . بنابر این اجبار وجدانی امروز بی درنگ بایست اهالی ایران موجبات ترقی و مقدمات پیشرفت کار را مهیا دارند... . اهالی ایران اگر با آن هوش و ذكاء خداداد امروز اندکی دقت نموده سعادت و نجات خود را در استخلاص از قید ذلت و اسارت ببینند چاره ندارند جز اینکه از راه صحیح از طریق غیرمخوف تحصیل پول کرده اصلاح مفسد خود را بکنند. امروز

با این وضع احتیاج مملکت و بی علمی ملت تحصیل پول خیلی دشوار و از پاره طرق خیلی مخوف و خطرناک است. هیچ یک از ممالک در بدایت بیداری خود تمام اصلاحات خود را فرداً انجام ندادند مسلم است دولت ژاپون در وهله اول احتیاجاتش زیاده از ما بود به واسطه استقرضاتی که کرد و امتیازاتی که داد اصلاح مفاسد خود را نمود. دول مقتدره که امروزه از پرتو استقرض فوائد بیشمار حاصل نمودند علت آن بود که کار را از راهش وارد شده قرض خود را به مصرف آبادی مملکت رسانیدند حوائج ملت را سلب نمودند اما بدبختانه ما آن استقرض خانمانسوز را با آن شرایط که یکباره مملکت خود را واگذار کردیم به مصرف سرخاب و سفیداب و ... زدیم.»^{۷۲}

مؤلفه مدرنیته: پیشرفت‌باوری جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. تجربه سایر کشورها (ژاپن) ۲. ایرانی، هوش پیشرفت دارد و می‌تواند ترقی کند.

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم وحدت اقشار مختلف و سرمایه‌گذاری اقتصادی دلالت دارد. ضمن یادآوری اشتباهات گذشته دولتمردان در استقرض خارجی و امتیازبخشی، راهکارهایی برای ترقی اقتصاد کشور ارائه می‌دهد.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «مدهنه دولت باهمت یا تخریب مملکت»

گزیده مطلب: «در عرض یک سال و اندی بدین طرف که سلطنت مستقله ایران مبدل به مشروطه گشت و اساس استبداد منهدم و بنیان عدالت استحکام پذیرفت حدود دولت معیت و حقوق ملت مشخص گردیده شایسته چنان بود که دولت و ملت ایران پای در جاده ترقی و پیشرفت نهاده نواقص و معایب چندین ساله خود را رفع نموده ... از برای کسب صنایع و علوم فرستاده ملت هواخواه دولت و دولت غمخوار ملت گردیده با اشتراک جوهر وجودتی که مر آنان را با ژاپونیان است بر حسب تاخر زمان ترقیات اسرع و اشهر حاصل نموده هوش و گوش اهل سیاست و پلٹیک را به جانب خود متوجه داشته ربعی از خود در قلوب بیگانگان انداخته حقوق و شئون چندین هزارساله خود را محفوظ دارند و نمونه از فطانت و هوش نژاد پاک خود را به عالمیان ارائه نمایند... . کراراً ما عقاید خود را نسبت به مکنونات خاطر خطیر اعلیحضرت محمدعلی شاه نگاشتیم که اگرچه شاهنشاه جوان مسافرت به ممالک متمدنه عالم نفرموده و به وضع و ترتیب امروزه بلعینه برنخورده ولی بر حسب فطانت شاهانه لابد در این مدت تکفل ولایت عهد اوضاع ممالک متمدنه امروزه را با احوال مملکت خود مقایسه فرموده و علت آن همه

ترقی و باعث این همه تنزل را مقایسه نموده و با وجدان شاهانه بقای سلطنت ایران را در خانواده خود و اخلاف خود به مساعدت و همراهی با اساس مشروطیت خواهد دانست و کیف کان هم مبارک خود را مصروف استحکام این بنیان خواهد فرمود مثل شاهنشاه جوان بخت ژاپون خود ملت را در مساعدت با این اساس تشویق خواهد فرمود. ذلت ملت را مرتفع و نام نامی خود را در عداد سلاطین مقتدره امروزه خواهد انداخت و ما این عقیده را از روی وجدان و طریق عقل سلیم تحصیل نموده در آن هم ثابت هستیم ولی از آنچه تا کنون به ظهور پیوسته اعلیحضرت را در این باب عزم راسخ است اما به واسطه اختناقی که به رسم سلاطین سابق ایران اختیار نموده محارم خلوت و بستگان به ذات ملوکانه در هر موضوع امر را مشتبه نموده و شاهنشاه جوان را به خیالات واهیہ دچار می‌سازند. معلوم است مساعدت شخصی سلطنت تا چه حد و میزان در پیشرفت امور ملت دخیل بوده و منتج چه فوایدی خواهد بود. عقب‌ترین دول که در این قرون اخیر پای در جاده ترقی و تمدن گذاشت دولت جوان‌بخت ژاپن بود که در کمتر وقتی گوی سبقت از همگنان ربوده و به کمتر وقتی خود را به صدر رسانید. در ترقیات ملت ژاپون اقوی قوتی که باعث پیشرفت مقاصد آنها گردید همانا مساعدت شخصی سلطنت بود که در بدایت امر خود بنفسه ملت را تشویق و ترغیب بدین راه نمود...»^{۷۳}

مؤلفه مدرنیته: پیشرفت‌باوری جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: تجربه سایر کشورها (ژاپن) دلالت‌های ضمنی: شاه محور ترقی است همانطور که در ژاپن چنین شد. کنایه به محمدعلی شاه است که هر چند به ملل متمدنه سفر نکرده، می‌تواند به اسلاف خود بنگرد که اساس مشروطیت را گذاشتند یا پادشاه ژاپن که موجبات ترقی ملت خود را در مدتی کوتاه فراهم کرد.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «نگارش یکی از دانشمندان»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «این قدر که مرض مجرا نبودن قانون در مزاج مملکت مهلک است هیچ نیست زیرا آحاد مملکت اگر علم ندارند می‌توان آنها را در تحت قانونی واداشت که ضرر فاحش نرساند ولی دایر نبودن قانون را به هیچ چیز نمی‌توان اصلاح کرد جز به اجرای قانون و ایجاد عدل و مساوات. راست است که دوائر دولتی و دستگاه دیوان ما عموماً از روی قوانین صحیحه تأسیس نشده ولی به قدرت نمونه بعضی از ادارات را از خارجه تقلید کرده‌ایم. چیست که هیچیک در تحت انتظام درنیامده است و معایب و مفاسدش رفع نمی‌شود. جز این نیست که قانون مجری و مسئولیت قانونی در میان نبوده

۷۳. تمدن، «مدینه دولت باهمت یا تخریب مملکت»، سال اول، شماره ۴۶ (اول ذی‌القعدة ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۲ - ۱.

است. اغراض و ملاحظات نگذاشته قانون مجری شود. خوب که فکر کنیم و انصاف دهیم می‌بینیم هر طبقه از متصدیان امر دستگاه دیوان ما را که خودخواه فرض کنیم و بگوییم برای آبادی خودشان به خرابی مملکت نظر نداشته‌اند در نفس نفیس سلطان این فرض جاری نیست زیرا هیچ صاحبخانه عاقلی خانه خود را خراب و اولاد خود را مبتدل و پریشان نمی‌خواهد... حکومت در هر جا مرکب از دو اختیار است. اختیار وضع قانون و اختیار اجرای قانون. در هر مملکتی که اختیار وضع و اجرای قانون هر دو دست یکنفر باشد هیچ وقت ادارات آن مملکت تحت انتظام نخواهد آمد چراکه هیچ وزیر و مدیری دایره قدرت خود را محدود نمی‌خواهد. انصاف و دیانت ما هم آنقدر نیست که مانع از اغراض نفسانی شود. لهذا باید اختیار وضع قانون و اجرای آن در دست دو نفر باشد و این دو اختیار از یکدیگر تفکیک شود... اما در محاکمات قانون مقدس اسلام که اتم و اکمل قوانین و مبنای آن بر عدل و مساوات است بحمدالله موجود شده است. همینقدر لازم است که به همت حجج‌الاسلام مرتب و مدون شود و به زبان فارسی ترجمه شود و برای ادارات و وزارتخانه‌ها از قبیل مالیه و بلدیّه و نظام و غیره مطابق قوانین جدید که با قانون شرع مقدس نیز تباین نداشته باشد از طرف مجلس محترم دارالشورای ملی کتابچه دستورالعمل نوشته و به طبع رسانیده به همه داده شود و مجلس در اجرا و اقدام به انجام آن بکوشند.»^{۷۴}

مؤلفه مدرنیته: قانون‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. نقش قانون در رفع وضعیت نابسامان ادارات. ۲. تشبیه کشور به خانه و سلطان به صاحبخانه و مردم به اولاد و اینکه هیچ کس خانه خود را خراب و فرزندانش را پریشان نمی‌خواهد. ۳. تجربه سایر کشورها در تفکیک قوا. دلالت‌های ضمنی: به لزوم تفکیک قوای مقننه و مجریه، توجه به سنت و شرع اسلام در تدوین قانون، پاسخگویی حکومت به مردم در قبال وظایف خود دلالت دارد. همچنین، حفظ اساس مشروطه به رعایت حقوق مردم، قانونمداری و قانونمندی وابسته است.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «وقت کار است»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «... از برای پیشرفت امروزه هر گاه دقت کنیم و موجبات تنزل خود را به دست آوریم اصلاح آن خیلی آسان خواهد بود. به فرموده استاد کل پرنس ملکم‌خان اگر فرض کنیم دو هزار نفر آدم در یک جنگل غیرمعمور سکنی بگیرند معلوم است که این دو هزار نفر آدم را آسوده بگذارند و در میان

ایشان اسباب اغتشاش فراهم نیاورند اموال ایشان دقیقه به دقیقه زیاد خواهد شد... این حالت انسان را ترقی‌پذیری می‌گویند و فرقی که میان انسان و سایر حیوانات هست منحصر به همین یک نکته است که انسان ترقی‌پذیر است و حیوانات ترقی‌پذیر نیستند... این صفت ترقی‌پذیری لازمه فطرت انسانی است و جنس انسانی مجبور است که به حکم محرک فطری دقیقه به دقیقه ترقی کند. این قانون طبیعت در هر ملک و هر طایفه حکم مطلق دارد یعنی ممکن نیست در روی زمین یک طایفه باشد که مثل جنس خود ترقی‌پذیر نباشد. اگر این مطلب درست مفهوم شده باشد از یک سؤال من تعجب بل وحشت خواهید کرد. سؤال من این است که اگر جنس انسان ترقی‌پذیر است پس چرا این بیست کرور آدم که در یکی از بهترین قطعات کره زمین سکنی دارند در مدت دو هزار سال نتوانسته‌اند بر اموال خود بیفزایند... در اصول این مقدمات هیچ اشکالی نیست در این که انسان مدنی‌الطبع است و بالفطره ترقی‌خواه است هیچ شبهه نمی‌رود... اما باعث این همه تنزل و مانع از آن ترقی طبیعی و فطری چیست. خیلی مستور است. به فرموده پرنس ملکم‌خان اگر از این مانع کلی سؤال شود هر کس یک جوابی خواهد داد. یکی خواهد گفت معایب کار از اغراض وزرا است یا از رشوه‌گرفتن حکام است ولی مانع کلی همانا نبودن امنیت مالی و جانی بود. فقدان امنیت مالی و جانی ناشی از معین و مرتب نبودن قوانین مملکتی بود... امروز علاج فوری از برای امراض درونی و بیرونی این مملکت همانا تنظیم قوانین و ترتیب ادارات خواهد بود»^{۷۵}.

مؤلفه‌های مدرنیته: پیشرفت‌باوری و قانون‌گرایی **جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه:** مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. تمایز انسان و حیوان در ترقی‌پذیری انسان است. ۲. تجربه سایر کشورها (فرانسه) ۳. «انسان مدنی‌الطبع است و بالفطره ترقی‌خواه است». ۴. سخنان «پرنس ملکم‌خان»^۵. فقدان قانون و اجرای صحیح قانون در کشور

دلالت‌های ضمنی: پیشرفت بشر همواره میسر است و لازمه آن وحدت ملت، تنظیم قانون و پایبندی به آن است؛ باید با عبرت‌آموزی از گذشته، آزادی و مشروطه را با وحدت، قانون‌گرایی و پیشرفت‌باوری حفظ کرد. نسبت به آینده و امکان ترقی امید می‌دهد.

مشخصات مطلب: شبه‌گفت‌وگو^{۷۶}، فاقد عنوان، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «خداوند عالم خاک ایران و اهل ایران را برای چه آفریده است؟ از برای اینکه به چند

۷۵. تمدن، «وقت کار است»، سال اول، شماره ۳۸ (۲۷ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۴ - ۲.

۷۶. مقصود از شبه‌گفت‌وگو، مصاحبه‌های خیالی است که برای تفهیم بهتر مطالب در نشریات قاجار به چاپ می‌رسیده‌اند.

نفر اشخاص بی‌کفایت بی‌لیاقت خوش بگذرد. نام مبارک این اشخاص چیست؟ اولیای دولت علیه ایران. این اولیای دولت به چه استحقاق صاحب چنان امتیاز شده‌اند. بهر اینکه ایران را فقیرتر و ذلیل‌تر از هر نقطه روی زمین ساخته‌اند. این اشخاص از برای پیشرفت چنان مقصود غیرمقدسی باید صاحب چه فضایل باشند. اولاً باید از هیچ رسوائی خجالت نکشند. ثانیاً باید از روی صدق دشمن معرفت و مروج منتهای ردالت باشند. ثالثاً باید به حدی خود را بی‌غرض بسازند که از روی انصاف هر شخصی را که بر حسب شرف جنون بر همه مقدم باشد او را شخص اول قرار دهند. تکلیف چنان وجود بزرگی چه باشد... چون لفظ نظم و عدالت و قانون از برای رونق این وضع نامبارک سم قاتل است باید هر کس طالب عدالت و نظم باشد گاه و بیگاه اشرار را بر ضد او برانگیزد. نطقش ببندد و قلمش بشکند اگر پلتیک اقتضا نماید در وسط شب سرش را هدف تخماق و بدنش را معرض چوب و چماق سازد و اگر پلتیک اقتضا نکند گریه‌مانند توبه کند سجاده بگستراند تسبیح به دست گیرد... ساده‌لوحان را از کلمات خود بفریید حشرات را بهتر از شرارت تعقیب نماید... در تمام دول تکلیف نظام این است که بروند در مقابل خارجه حقوق و حدود ملت را حفظ نمایند ولیکن در ملک ایران مأموریت اهل ظلم این است که در همسرحدات از مقابل هر دشمن فرار بکنند و از برای اثبات جلادت خود در داخله مملکت به یک اشاره انگشت مبارک زن و بچه و زندگی برادران مسلم خود را بدون سؤال و جواب باشد شقاوت آتش بزنند... شخص شما به چه استحقاق از روی چه علم به چه هنر به کدام فضیلت دعوی برتری می‌کنید. شکم را جلو می‌اندازید گردن را عقب می‌برید. تقلب همیشه در پرده نخواهد ماند. تحریکات باطنی آشکار خواهد شد. اشخاص بی‌غرض وطن‌پرستی پیدا خواهند شد که حیات عاریت را هیچ نپندارند. بیش از این خون دل نخورند مادر وطن را در بازار خارج دست این و آن نپسندند. شرافت ابدی را تحصیل کنند و به مقامات عالیه ارتقا جویند.»^{۷۷}

مؤلفه‌های مدرنیته: آزادی‌گرایی و قانون‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت منابع مشروعیت‌ساز: ۱. نمونه‌هایی از ظلم و تعدی مخالفان مشروطه و ناقضان حقوق ملت ۲. وظایف تمام دولتها، حفظ حقوق و حدود ملت در مقابل خارجه است. ۳. ضرب‌المثل دلالت‌های ضمنی: اهل دانش و وطن‌پرستان به حقوق خود واقف اند و در مقابل ظلم و استبداد فردی حاکمان خواهند ایستاد؛ بر لزوم حفظ مشروطه از استبداد حکام، قانونمندی حاکمان و رعایت حقوق ملت دلالت دارد.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «جالب دقت وزارت مالیه»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «جناب ناصرالملک وزیر مالیه را عرضه می‌داریم از بدو ارجاع وزارت مالیه به آن وزیر معظم نظر به مراتب کفایت و درایت و کاردانی شما هوش و گوش وطن خواهان بدانجانب متوجه گشت و معمول چنین بود که در اندک مدتی از روی قوانین صحیحه این اداره معظمه را که نخستین اداره مملکت به شمار است مرتب و خطوط کج و معوج و غلط کاریهای پیشینیان را اصلاح نموده چشم و دل هموطنان را بدین مژده روشن خواهید فرمود. حالا در این مدت بر رفق معمول مقصود حاصل نگشت. نخستین وظیفه شخصی وزیر معظم مالیه آن است که با کمال جد و جهد افکار صحیحه صائبه خود را در اصلاح مالیه و ترتیب ممیی به مجلس محترم شورای ملی اظهار داشته تا به اتفاق و اتحاد در اندک زمانی این مقصود مهم انجام پذیرد. بایست قبل از تنظیم به همان تیره سابق رفتار شود و در اول هذه السنه هم به ترتیب سنوات سابقه کتابچه مالیه هر محل از طهران به توسط حکام فرستاده شود که مالیات دیوان زمین نامانده وصول گردد تا وقتی که قوانین مالیه از مجلس صادر شده به موقع اجرا گذارده شود. در این جزء از زمان که برزخ بین آزادی و تقید است بایست از حال برادران وطنی ما که در دهات و قراء مسکن دارند و به هیچ وجه دسترسی به جایی ندارند غفلت نکرده در خاطر آرید که بعد از ورود حکام به مراکز ایالات و تعیین ضباط و حکام جزء و وصول تعارفات هدایا و اعطای خلعت و صدور فرمان کدخدایی فلان ریش سفید و پیشکاری فلان دل سیاه و مرجعت حضرات به دهات چه مصیبتها که به سر این بیچاره ها نیاید. با اینکه خاطر محترم کاملاً مسبوق است محض استحضار خاطر هموطنان مختصری از ترتیب اخذ مالیات به عرض قارئین می‌رسانیم. گذشته از اینکه کتابچه اصلی که در طهران از کلیه ولایات موجود است در هر جز از زمان به واسطه اغراض یکی از مغرضین دستخوش تغییر و تبدیل شده از وقت صدور تا زمان وصول جزئیات در دهات چندین بار این کتابچه تغییر کرده بر او افزوده خواهد شد... اینک بایست راه چاره‌ای بدست آورد که در این زمان جزئی که ترتیب مالیه بر وجه صحیح معین نشده حقوق آن بیچاره ها از میان نرود و دستخوش اغراض چهار نفر بی سر و پا نشود. راه چاره این است که امساله هنگام ارسال حکام کل حکام جزء هم از طهران معین شده دستورالعمل آنها را هم از روی کتابه دستورالعمل محلی که در دست مستوفیهای ولایتی است و کتابچه جزء عملش می‌کویند معین فرمایید که از روی همین کتابچه در کلیه دهات و قرا مالیات دیوان را بدون اضافه و تضمیم دریافت دارند... البته بعد از تحقق و تأمل در این معروض چنانچه وکلای محترم مجلس شورای ملی هم امضا فرمایند به موقع آرا خواهید گذارد و جمعی مردمان بی دست و پا را از خود ممنون و متشکر خواهید فرمود.»^{۷۸}

مؤلفه‌های مدرنیته: آزادی‌گرایی و قانونگرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. نخستین وظیفه وزیر مالیه، رعایت قانون و پاسخگویی به مردم است. ۲. وضعیت حال و لزوم پاسخگویی دولت به ملت بویژه در مورد روستاییان که دسترسی به جایی ندارند. ۳. نمونه‌هایی از ظلم و تعدی حکام ولایات به حقوق رعیت را به‌خصوص در وصول مالیات. ۴. کتابچه دستورالعمل محلی

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم رعایت حقوق رعیت و قانونمداری، به‌خصوص در ارتباط با مجلس شورای ملی دلالت دارد. حفظ اساس مشروطه به پاسخگویی دولت و مجلس به مردم، و قانونمندی وابسته است تا مردم دلسرد نشوند.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «بقیه دستور نظامی»، نویسنده نامعلوم

گزیده مطلب: «... دو دست لباس تابستانی و زمستانی از سرتا پا با چکمه و لباس زیر بیست تومان نه به ترتیبی که حالیه معمول است که از برات لباس تومانی سه هزار اول کسر می‌کنند و یک مبلغی برای اتمام برات وزیر لشکر و لشکرنویس و غیره می‌برند بعد تومانی دو هزار مال مخزن است باقی تومانی چهار هزار و ده شاهی عاید آقایان می‌شود که از آن هم یک قران دزدی استادکار است پس از یک تومان سه هزار و ده شاهی برای سرباز بدبخت لباس درست کرده با دیوان دستی هفت تومان حساب می‌کنند که درواقع بیست و دو قران تمام شده است. البته حال همچو لباسی معلوم است چه خواهد بود... . چنانچه گفته اند ضرر را از هر جا بگیرند منفعت است به شرطی که اقلا از حال به بعد چشم و گوش خود را باز کرده وزیر جنگی معین کنیم که زحمتکش باشد نه تن پرور مفتخور. اهل نظامی باشد نه مشغول به خویش. هر یک از اهل نظام را دردی باشد و مهمی پیش آید بدون زحمت و حاجب و دربان حضورش رفته عرض حال خود را با کمال آزادی نموده جواب موافق و مساعد بشنود. حقوق نظام را به اطلاع کمیسیون نظامی بدون دیناری کم و کسر در موقع برسانند نه آنکه تمام وجوهات نظام را خود او دریافت نموده سرمایه بانکهای خارجه کند و هر ششماه یک یا دو ماهه جیره‌ای به رسم تصدق به سرباز بیچاره احسان فرمایند. باری از مقصد خارج نشویم. سالی ده تومان توتون و صابون و واکس و سوزن و نخ هر سرباز سالی چهار تومان هم پول سوخت زمستان و حمام و چراغ و سالی شش تومان موجب ماهی پنج هزار خرج جیب هر سرباز محسوب شود جمعا هفتاد و شش تومان مخارج هر سربازی در سال برای دولت تمام خواهد شد. دولت امروزه بیش از این مبلغ می‌دهد علتش فقط بی ترتیبی دولت و نظارت نداشتن ملت به امور است به عبارت اخرا علت غائی استبداد و

بی قانونی است و بس. اینکه گفتیم دولت ایران با همین بودجه نظامی حالیه می تواند چهل هزار قشون منظم مثل قشون اروپا نگهدارد و به ترتیب و قانونی است که امروزه تمام دول منظمه عالم از آن قرار رفتار می نمایند و ما محض استحضار ابنای وطن مخلص آن را ذکر می نمائیم...»^{۷۹}

مؤلفه‌های مدرنیته: آزادی‌گرایی و قانونگرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت منابع مشروعیت‌ساز: ۱. نمونه‌هایی از بی‌قانونی در بودجه نظامی و ضرورت تنظیم قانون در کمیسیون نظامی ۲. مزایای آزادی بیان برای انتقاد از عملکرد مسئولان دلالتهای ضمنی: فاصله ما را در قانونگذاری و قانونمداری با کشورهای اروپایی بیان می‌کند؛ تداعی گر عقب‌ماندگی‌ها و فساد اخلاقی مسئولان است.

مشخصات مطلب: مقاله با عنوان «ترقیات قوای حربیه ژاپون»، نقل از روزنامه حقایق **گزیده مطلب:** «چون در مملکت چین شغل نظام از مشاغل پست به شمار می آمد مردم چین آنقدر از این کار متنفر بودند که این مثل میان ایشان سایر بود آهن خوب را میخ نمی کنند و آدم صحیح را سرباز. حتی این قانون مذهبی هم آنها را از این عمل نهی می نمود که می گوید جسم سالمی را که ابوبین به تو داده اند همانطور سالم به ایشان باز ده این نفرت بیشتر باعث تنزل و غفلت چینیان شده به کلی ایشان را به تن پروری و انزوا عادت داده بود اما در این سنوات اخیره از وقتی که دول متحده بعد از خسارت سفارتخانه های خود پکن پایتخت چین را محاصره نمودند ورق برگشت و اوضاع دگرگون شد. هر چند که جمعی از کهنسالان چینی در همان حالت فقر و جهل باقی مانده بودند جوانان بر عکس قوت و هوش غربی نشان دادند. چین در این اندک زمان از آن خرافات قدیمی بیرون آمد و پای به دایره تمدن و تربیت جدید نهاد و بیدار شد. چینیان از اثر مخالفت معادین و اغیار هوشیار گردیدند... در تمام دیوارهای شهر شان تونگ این کلمات خوانده می شد چین از چینیان است یا مرگ یا نجات. نایب السلطنه چین چون دید که به واسطه عدم قوه حربیه و تجدید رسوم قدیمه مملکت چین به مخاطره عظیمی دچار شده که به آسانی ذلیل اجانب می شود این عبارت را به قلم آورده نوشت کهنه پرستان؟ یعنی آنهايي که در حالت قدیمه مانده و به ترتیبات جدیده مایل نیستند مانند آدمهایی می باشند که از ترس استخوان از غذا خوردن امتناع دارند. چند روز بعد از آن یکی از روزنامه ناران فرانسوی می گفت چین به تغییر اوضاع خود مصمم شده است و صاحبمنصبان چینی مخصوصاً در غالب مشق های نظامی فرانسه حضور به هم رسانیده متعلمین نظام مدارس نظامی این مملکت را به دقت بازدید

کرده اطلاعات مفیده به وطن خود برده اند. همانا چینیان علم و عمل را با هم توأم کرده اند ... بدین ترتیب در اندک سزمانی ملاحظه خواهید نمود که چطور چینیان به آسانی چند میلیون قشون مسلح منظم تشکیل خواهند داد در مقابل این قوا کدام دولت را تاب مقاومت خواهد بود.^{۸۰}

مؤلفه‌های مدرنیته: پیشرفت باوری، آزادی‌گرایی، خرافه‌ستیزی و سنت‌ستیزی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه: مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: تجربه سایر کشورها (چین) دلالت‌های ضمنی: باید از چینیان آموخت و ضمن کنار نهادن خرافه‌ها، وضعیت جامعه را بهبود بخشید. در مورد چینی‌ها، کارشکنی‌های اغیار یعنی اروپاییان به نقطه عطف تلاش‌های اصلاح‌گراانه‌شان تبدیل شد. پس ما هم باید علی‌رغم مخالفت و کارشکنی‌های اروپاییان مشروطه‌ای که با تلاش به دست آمده حفظ کنیم.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «ترقی و آبادی ممالک عالم»

گزیده مطلب: «مادامی که به آرای سخیفه خود به اغراض نفسانی خود دامنه وسیع پیشرفت ملتی را محصور و محدود داریم و به عزیمت توسعه و ترویج اساس بی‌ثبات شخصی خود آرای دیگران تابع رأی خود خواهیم در چنین موقع خطرناکی جز عواقب وخیم و توائب الیم نتیجه نخواهیم برد. حکیمی گوید هر کس اینای نوع خود را که دارای وجدان است به شخص خود مسئول بداند وجدان ندارد. دیگری گوید اگر حدود و حقوق با خود اینای بشر خلق شده پس استثنای شخصی از کجاست. دیگری می‌گوید حقوق بشری ودایع خالق اوست که به او سپرده شده پس سلب حقوق خیانت به خداست. دیگری می‌گوید هر جا احکام سلطنت مطلقه آمر عباد است عدل آنجا را بدرد گرفته... دیگری می‌گوید امروز در اروپا هفده سلطنت با قانون اساسی اداره می‌شود. یکی دو سلطنت مطلقه که در دنیا هست هیچ نباشد اقلاً منفور ملل آزاد اروپا شمرده می‌شود... یکی دیگر می‌گوید پادشاه مؤید ژاپون سرمشق بسیار خوبی بر حکمرانان مطلق آسیا داد. هر کس بخواهد بفهمد ببینید که در سی سال از مردم و حتی چگونه ملت متمدنه توأم ساخت و دولت را چگونه داخل دول متمدنه و جرگه سلاطین کبیر نمود عهدنامه ژاپون و انگلیس برای ذکر خیر میکادو بهتر از عیاشی آنهاست که استقلالشان به موئی آویخته ... دیگری می‌گوید بعد از این راه ترقی و سعادت از بیرای کلیه دول و ملل در کمال نظافت باز است...»^{۸۱}

۸۰. جریده حقایق، «ترقیات قوای حربیه ژاپن»، نقل در روزنامه تمدن، سال اول، شماره ۲۰ (۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۲ - ۱.

۸۱. تمدن، «ترقی و آبادی ممالک عالم»، سال اول، شماره ۳۸ (۲۷ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق)، ص ۲ - ۱.

مؤلفه‌های مدرنیته: پیشرفت‌باوری، آزادی‌گرایی و قانون‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه:

مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. باورهای مذهبی ۲. تجربه سایر کشورها (اروپا و ژاپن) ۳. استناد به افراد نامعلوم

دلالت‌های ضمنی: بر لزوم حفظ مشروطه، نفی سلطنت مطلقه، آزادی‌خواهی و قانونمداری دلالت دارد. نسبت به دسته‌بندی‌ها و نفاق هشدار می‌دهد که آفت آزادی، قانون و مشروطه است.

مشخصات مطلب: سرمقاله با عنوان «بقیه محکمه وجدان»

گزیده مطلب: «رفع بی‌علمی که اساس معایب امروزه ماست ممکن نیست جز اینکه از امروز عموماً دامن همت بر کمر زده دایره معارف را توسعه داده به دستیاری مردمان خبیر بصیر به تدریج این ننگ بزرگ را از خود و اخلاف خود بردارند. شرط دوم آبادی مملکت، کوشش و زحمت است که به طور اکمل در ایران موجود است... چنانچه می‌بینیم اهالی ایران هر جا می‌روند در کمال سرعت درصدد تحصیل شغل و کار بر می‌آیند و نکته مهمی که بی‌نهایت در پیشرفت دخالت دارد این است که اهالی ایران استعداد غریبی در مداومت به کار دارند. بنابراین تا کنون مدلل داشتیم که شرایط آبادی در ایران موجود است. در مملکت ایران مادامی که قوانین اجرا نگردد امنیت مالی و جانی نیست و بدینواسطه امور این مملکت در تنزل و انحطاط است. مملکت اداره لازم دارد که قوانین مقرر را به طور مساوات اجرا نمایند تا حقوق مردم از تعدیات و تصرفات خودسرانه اهل ظلم مصون ماند.»^{۸۲}

مؤلفه‌های مدرنیته: پیشرفت‌باوری، قانون‌گرایی و برابری‌گرایی جهت‌گیری متن نسبت به مؤلفه:

مثبت

منابع مشروعیت‌ساز: ۱. برای رفع بیماری‌های جامعه معاصر ایران باید همت گمارد و وضعیت را بهبود بخشید. ۲. تجربه سایر کشورها (اروپا و آفریقا) ۳. هوش و استعداد ایرانیان ۴. لازمه تأمین امنیت جانی و مالی، قانونگذاری و اجرای «قوانین شرعیه به طور مساوات» است. ۵. بی‌قانونی فعلی؛ نابرابریها؛ استبداد فردی حکام ولایات، و ...

دلالت‌های ضمنی: ضمن انتقاد از ضعف حاکمیت در تأمین امنیت کشور، شاه و اقتدار او را محور ترقی فرض می‌کند. ضمناً به پیشرفت‌های فرنگ و و لزوم رفع عقب‌ماندگی‌های ایران دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله بر مبنای تحلیل محتوای کیفی نشریه تمدن در دهه ۱۳۳۰ - ۱۳۲۰، و به طور خاص، سال ۱۳۲۵ ه.ق چگونگی بازتاب مؤلفه‌های مدرنیته مورد بررسی قرار گرفت تا به شناختی پیرامون نحوه بازتاب مدرنیته در مطبوعات و در نتیجه، آشنایی و درک ایرانیان از مدرنیته و شناسه‌های آن دست یابد. مطبوعات را از این جهت که نخستین رسانه جمعی در دوره قاجار بوده‌اند و از بُرد بیشتری نسبت به امکانات یا شیوه‌های ارتباطی سنتی آن عصر، برخوردار بوده‌اند و از این رو، رسانه اصلی ایرانیان محسوب می‌شده‌اند، برای تحلیل انتخاب شدند.

در این مطالعه، ۵۵ مطلب به طور هدفمند و در پی گزاره‌های مبتنی بر مؤلفه‌های مدرنیته بررسی شد که از میان آنها ۲۶ مطلب حاوی چنین مؤلفه‌هایی بودند. آزادی‌گرایی (۱۰ مطلب)، برابری‌گرایی (یک مطلب)، قانون‌گرایی (یک مطلب)، پیشرفت‌باوری (سه مطلب)، فردگرایی (سه مطلب) بوده‌اند. سنت‌ستیزی و خرافه‌ستیزی، در یک مطلب به صورت ترکیبی با سایر مؤلفه‌ها بازخوانی شده‌اند و در هیچ مطلبی به گزاره‌هایی دال بر دنیاگرایی، عقل‌گرایی، انسان‌گرایی پرداخته نشده‌است. ضمن اینکه اگرچه فردگرایی در مدرنیته غرب، پذیرفته شده‌است از سوی نشریه تمدن مورد طرد قرار گرفته و جهت‌گیری نسبت به آن منفی است در حالی که آرمان‌های اجتماعی انسان مدرن شامل آزادی‌گرایی، برابری‌گرایی و قانون‌گرایی، با جهت‌گیری مثبت نویسندگان روبرو شده‌اند و همین نگرش در مورد پیشرفت‌باوری و خرافه‌ستیزی وجود دارد در حالی که سنت‌ستیزی هم فقط یکبار، آن هم از سوی نشریه حقایق، مورد تأیید بوده‌است. همچنین در ذکر شواهد و مشروعیت‌بخشی به دیدگاه‌های طرح شده پیرامون هر یک از این مؤلفه‌ها بیش از آنکه به تجربه‌های اروپاییان استناد شده‌باشد، تجربه‌های کشورهای غیرغربی (ژاپن، چین، آفریقای جنوبی)، باورهای مذهبی ایرانیان، تجربه پیشینیان، و رویدادهایی که بیانگر وضعیت موجود بوده‌اند، استناد شده‌است. در همین رابطه بر کاستی‌های موجود، ضرورت عبرت‌آموزی از گذشته، لزوم رفع عقب‌ماندگی‌ها و عناصری که تداعی‌گر خواست مشروطه‌خواهان بوده‌اند (مانند ضرورت رعایت حقوق شهروندان، قانون‌گذاری، وحدت و برادری، حفظ اساس مشروطه) از جمله دلالت‌های ضمنی قابل بازخوانی در این مطالب هستند.

بنابراین نتایج تحقیق با مدعای نظریه مدرنیته بومی قابل توضیح است که هر جامعه‌ای می‌تواند مدرنیته خاص خود را داشته‌باشد که آن را نه با تلاش برای مضمحل ساختن سنت، بلکه در بافت سنت، با بهبودبخشی آن، و ارزیابی انتقادی وضعیت خویش، در عرصه‌های مختلف فرهنگی،

اجتماعی، سیاسی و ... شکل می‌دهد، همان نکته‌ای که در بازخوانی کیفی مطالب نشریه تمدن، مورد تأیید قرار گرفت.

کتابنامه

- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. «تحلیل محتوای کیفی». فصلنامه پژوهش، سال ۳، شماره ۲، ص ۱۵ - ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطیت. جلد دوم. ترجمه محمد عباسی. تهران: معرفت، ۱۳۳۷.
- باومن، زیگموند و همکاران. مدرنیته چیست؟ مدرنیته و مدرنیسم. ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. تهران: نقش جهان، ۱۳۷۸.
- بشیر، حسن. نقش مطبوعات در فرایند نوسازی سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجاریه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
- بیات، عبدالرسول و دیگران. فرهنگ واژه‌ها. قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
- پروین، ناصرالدین. تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- جریده حقایق، «ترقیات قوای حربیه ژاپن، نقل در روزنامه تمدن، سال اول، شماره ۲۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲ - ۱.
- جهانبگلو، رامین. موج چهارم. ترجمه منصور گودرزی. تهران: نی. چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
- اختر. فاقد عنوان، سال سوم، شماره ۲۷، ۱ محرم ۱۲۹۴ ه.ق، ص ۲۷.
- _____ «آزادی و آزادگی»، سال سوم، شماره ۱۳، ۴ محرم ۱۲۹۴ ه.ق، ص ۱.
- تمدن. سرلوحه روزنامه، سال اول، شماره ۴۹، ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۱.
- _____ «اثر خامه جناب فصیح المتکلمین»، سال اول، شماره ۴۹، ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴.
- _____ ۳ -
- _____ «تزلزل ارکان سیاست و پلتیک در ایران»، سال اول، شماره ۴۹، ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۱.
- _____ «ایران رفت! کار از کار گذشت!»، سال اول، شماره ۴۳، ۵ شوال ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲ - ۱.
- _____ «پلتیک ایران»، سال اول، شماره ۳۱، ۱۵ رجب ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۱.
- _____ «وقت کار است»، سال اول، شماره ۳۸، ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴ - ۲.
- _____ «ترقی و آبادی ممالک عالم»، سال اول، شماره ۳۸، ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲ - ۱.
- _____ «تمدن»، سال اول، شماره ۲۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲.
- _____ «بقیه از شماره ۳۹»، سال اول، شماره ۴۰، ۱۳ رمضان ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴ - ۱.
- _____ «مدهنه دولت باهمت یا تخریب مملکت»، سال اول، شماره ۴۶، اول ذی القعدة ۱۳۲۵ ه.ق،

ص ۲ - ۱.

_____ «عرض حال رعایای ولدان به عموم علمای عامل و مسلمانان متدین ایران»، سال اول، شماره

۴۶، اول ذی‌القعدة ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴ - ۳.

_____ «مکتوب یکی از مخدرات»، سال اول، شماره ۱۲، ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴ - ۳.

_____ «بقیه محکمه وجدان»، سال اول، شماره ۱۲، ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۱.

_____ «بقیه تذکره از سوابق عالم»، سال اول، شماره ۲۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۲.

_____ «بی‌غرضی می‌نگارد»، سال اول، شماره ۲۰، ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴.

_____ «جالب دقت ریاست نظمیه»، سال اول، شماره ۳، ۲ محرم ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲.

_____ «غیرتمندی از انزلی می‌نگارد»، سال اول، شماره ۲۵، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲.

_____ فاقد عنوان، سال اول، شماره ۲۵، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۲ - ۱.

_____ «نگارش یکی از دانشمندان»، سال اول، شماره ۳، ۲ محرم ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۴ - ۳.

_____ «جالب دقت وزارت مالیه»، سال اول، شماره ۳، ۲ محرم ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۲.

_____ «لایحه شهری»، سال اول، شماره ۱۰، ۲۳ صفر ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳.

_____ «مکتوب ملکوتیان ملاً اعلایاً به غیرتمندان انجمن اسلامی شیراز»، سال اول، شماره ۱۰، ۲۳

صفر ۱۳۲۵ ه.ق، ص ۳ - ۲.

شوستر، مورگان. *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. تهران: صفی‌علیشاه. چاپ دوم، ۱۳۵۱.
شوهانی، سیاوش. «تحلیل آماری مطبوعات ایران از عصر مظفرالدین شاه تا سقوط قاجار (۱۳۴۳-۱۳۱۳ ه.ق)». *پیام بهارستان*، سال ۱، شماره ۴، ص ۱۰۶۸-۱۰۵۷، تابستان ۱۳۸۸.

طباطبایی، سید جواد. *تأملی درباره ایران: مکتب تبریز و مقدمات تجددخواهی*. جلد دوم. تبریز: ستوده، ۱۳۸۴.
فاضلی، نعمت‌الله. *مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.

فراستخواه، مقصود. «مدرنیته ایرانی و پنج مغالطه» (متن تحریر یافته سخنرانی در نشست علمی دانشجویی). ویژه‌نامه شرق (۱۸ / ۶ / ۱۳۸۹).

فرقانی، محمدمهدی. *راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۱۷ - ۱۳۸۵)*. تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۲.

قاضی‌مرادی، حسن. *نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران*. تهران: اختران، ۱۳۸۴.

گیدنز، آتونی. *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. تهران: نشر نی. چاپ ششم، ۱۳۸۸.

محیط طباطبایی، محمد. *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران: بعثت، ۱۳۸۰.
معمدنزاد، کاظم. *ارتباطات در جهان معاصر: تحول اندیشه‌ها، نهادها و عملکردهای ارتباطی*. تهران: نشر شهر، ۱۳۸۸.

مک‌کوایل، دنیس. *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲.

ملکیان، مصطفی. مجموعه سخنرانی‌ها درباره مدرنیته، ۱۳۷۹. قابل دسترس در سایت نیلوفر به نشانی:
www.neelofar.org/thinker/mostafamalekian.html

_____ . «فردگرایی تجددگرایانه». آیین: ماهنامه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۳۱ و ۳۰، ۱۳۸۹، ص ۹-۴.

مهدیزاده، سید محمد. نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری، ۱۳۸۹.
میرسپاسی، علی. روشنفکران ایرانی و مدرنیته. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
میلانی، عباس. تجدد و تجددستیزی در ایران. چاپ هفتم، تهران: اختران، ۱۳۸۷.
نجفی، موسی و فقیه‌حقانی، موسی. تاریخ تحولات سیاسی ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.

ویمر، راجر دی. و دومینیک، جوزف آر. تحقیق در رسانه‌های جمعی. ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: سروش، ۱۳۸۴.

Charon, Joel M.. *Sociology: A Conceptual Approach*. Boston: Allyn and Bacon, 1986.
_____. *The Meaning of Sociology: A Reader*. 2 th ED, Englewood Cliffs : Prentice-Hall. 2002.

Henslin, James M.. *Essentials of Sociology, A Down-to-Earth Approach*. 5th Ed., Boston: Allyn & Bacon, 2004.

Houben, Vincent & Schrempf, Mona. *Figurations of Modernity: Global and Local Representations in Comparative Perspective*. Frankfurt: Campus Verlag, 2008.

Schaefer, Richard T. and Lamm , Robert P. . *Sociology*. 4 th ED, New York: McGraw-Hill..1992.

Teddle, Charles & Abbas Tashakkori. *Foundation of Mixed Methods Research: Integrating Quantitative And Qualitative Approaches in the Social and Behavioral Sciences*. London: Sage Publications, 2009.

Upadhyay, Vijay S. & Pandey, Gaya. *History Of Anthropological Thought*. New Delhi : Concept Publishing Company, 1993.

Zhang, Y. , & Wildemuth, B. M.. "Qualitative analysis of content". In B. Wildemuth (Ed.). *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library*. Available at: <http://www.ischool.utexas.edu>, 2009.